



محدودیت‌های روش‌شناسی عقلانیت محدود در اقتصاد متعارف؛ در آمدی بر نظریه عقلانیت دینی در اقتصاد اسلامی

سعید محمد بیگی^۱

چکیده

نظریه عقلانیت محدود در اقتصاد متعارف با توجه به دو مؤلفه‌ی «بیشینه‌سازی نفع شخصی» و «سازگاری درونی انتخاب‌ها» شناخته می‌شود. این نظریه توسط برخی از اقتصاددانان اقتصاد متعارف و اکثر اقتصاددانان اسلامی مورد تردید قرار گرفته و نقدهای متعددی به آن وارد شده است. در این میان اقتصاددانان مسلمان در برخی از کتب و مقالات به صورت پراکنده سعی کرده‌اند تا جایگزینی برای نظریه عقلانیت محدود ارائه کنند. در این ارتباط هدف پژوهش حاضر بررسی نظریه عقلانیت محدود و نقدهای وارد شده بر آن و ارائه تعریفی نظام‌مند و منسجم از عقلانیت در چارچوب اسلامی است، که با عنوان «عقلانیت دینی» مورد بررسی قرار گرفته و مؤلفه‌های آن مشخص شده است. پژوهش حاضر با کمک گرفتن از روش تحلیل متون اسلامی و روش عقلی و با استفاده از تکنیک پژوهش کتابخانه‌ای انجام شده است. بنابر فرضیه مقاله، نظام اسلامی در ارتباط با رویکرد عقلانیت دینی علاوه بر توسعه در مبنای روش‌شناسی عقلانیت، معیارهای «نفع‌گرایی فراگیر»، «عدالت اسلامی» و «تبعیت از تکالیف الهی» را نیز در بردارد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد نظریه عقلانیت دینی، از سه محور «شکلی»، «روشی» و «محتوایی» با رویکرد عقلانیت محدود در اقتصاد متعارف تفاوت دارد.

کلیدواژه‌ها: عقلانیت دینی، عقلانیت محدود، انسان اقتصادی، نفع شخصی، سازگاری درونی

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۷
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۱/۲۹
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۰۹
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۲/۱۰
صص: ۱۳۵-۱۷۰

شاپا چاپی: ۸۹۰۱-۲۹۸۰
الکترونیکی: ۱۶۸۵-۲۸۲۱



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. دانشجوی دکتری، فلسفه اقتصاد اسلامی، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران.

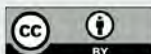
Beige.1992@gmail.com

استناد: محمدبیگی، سعید (۱۴۰۴). محدودیت‌های روش‌شناسی عقلانیت محدود در اقتصاد متعارف؛ در آمدی بر نظریه عقلانیت دینی در اقتصاد اسلامی، مطالعات میان‌رشته‌ای تمدنی انقلاب اسلامی؛ ۴(۱۳)، ۱۷۰-۱۳۳.

DOR: 20.1001.1.29808901.1404.4.13.5.7

© نویسنده‌گان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)



این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه و بیان مسئله

نظریه «عقلانیت محدود»^۱ را در واقع می‌توان به عنوان واکنشی به انتقادات گسترده وارد شده به نظریه «انتخاب عقلانی»^۲ مورد توجه قرار داد. این نظریه علاوه بر مؤلفه‌های انتخاب عقلایی به محدودیت‌های شناختی تصمیم‌گیرنده نیز توجه دارد، محدودیت‌هایی شامل دانش و ظرفیت محاسباتی مصرف‌کننده (سیمون، ۱۹۹۰: ۱۵). به علاوه عقلانیت محدود به عنوان موضوعی محوری در رویکرد رفتاری به اقتصاد محسوب می‌شود که عمیقاً بر فرآیند تصمیم‌گیری واقعی افراد در اقتصاد تأثیرگذار است (سیمون، ۱۹۷۲: ۱۶۱). عقلانیت محدود به گونه‌ای از رفتار اطلاق می‌شود که برای دستیابی به اهداف معین اقتصادی و با توجه به قیودی که توسط شرایط و محدودیت‌های تعیین شده توسط قوانین اعمال می‌شود، مورد استفاده قرار می‌گیرد، همچنین تئوری‌های مطرح شده در باب عقلانیت محدود شامل طیفی از تئوری‌های هنجاری یا توصیفی می‌شوند، به گونه‌ای که بر خلاف نظریه عقلانیت اقتصادی نحوه رفتار افراد یا سازمان‌ها را برای دستیابی به اهداف معین و در شرایط خاص اقتصادی تجویز می‌کند، یا ممکن است ادعا کند که در واقع رفتار افراد یا سازمان‌ها باید چگونه باشد.

در دهه‌های اخیر این قرائت از «عقلانیت محدود» با اشکالات جدی از سوی اقتصاد متعارف مواجه شده است. به گونه‌ای که در برخی تحقیقات سعی شده تا به گونه‌ای به این اشکالات پاسخ داده شود.^۳ در سایر نحله‌های اقتصادی همچون اقتصاد رفتاری و اقتصاد نهادی نیز انتقادهایی به نظریه عقلانیت محدود وارد شده است. به عنوان نمونه (کانلیسک، ۱۹۹۶) معتقد است که فروض ارائه شده برای عقلانیت محدود به قدری غیرواقعی است، که امکان مدل‌سازی و وارد کردن آن‌ها در نظریات اقتصادی وجود ندارد. (صدیقی، ۲۰۰۱) نیز به عنوان یکی از اقتصاد دانان مسلمان معتقد است به هیچ وجه نمی‌توان فروض عقلانیت محدود را در چارچوب مفهومی اقتصاد اسلامی مطرح کرد، چرا که اساساً هنجارهای مطرح شده در این نظریه با روح اقتصاد اسلامی سازگاری ندارد.

1. Bounded rationality
2. Rational choice

۳. به عنوان نمونه می‌توان به تحقیقات (کاهنمن و همکاران، ۱۹۸۲) و (مولینتن و تالر، ۲۰۰۰) مراجعه نمود.

پیشینه پژوهش

بررسی نظریه‌های مطرح شده در مطالعه اقتصاد یقیناً از مفروضات آن‌ها جدا نخواهد بود، مفروضاتی که برای تسهیل مدل‌سازی و پیش‌بینی پدیده‌های اقتصادی موجود در جامعه استفاده می‌شود. در این ارتباط یکی از فروض بنیادین نظریه «عقلانیت» این حقیقت است که هر فردی منطقی رفتار می‌کند. اگرچه، مؤلفه‌های رفتاری فردی که از آن به عنوان فرد منطقی یاد می‌شود قابل بحث بوده و مناقشات گسترده‌ای بر آن وارد است که در ادامه به آن پرداخته شده است؛ اما همین فرض به عنوان هسته سخت نظریه عقلانیت محدود مورد قبول تمامی اقتصاددانان متعارف واقع نشده و اشکالاتی به آن وارد شده است. در نتیجه، نظرات و استدلال‌های متفاوتی نیز در مورد میزان تطابق عقلانیت با رفتار اقتصادی انسان‌ها پدید آمده است. در میان چندین گزاره‌ای که در باب این نظریه مطرح شده است تنها تعداد اندکی به بررسی هسته عقلانیت محدود و انتقادهای وارد بر آن پرداخته‌اند که در ادامه به برخی از این دیدگاه‌ها اشاره شده است.

آثار پیشگام در مورد «عقلانیت محدود» به تقریرات اولیه (هربرت سیمون، ۱۹۵۵، ۱۹۵۶، ۱۹۷۲، ۱۹۷۶، ۱۹۷۹ و ۱۹۸۲) در باب عقلانیت باز می‌گردد. (سیمون، ۱۹۸۲) تا اندازه‌ای شیفته کارهای خویش است که در این رابطه در کتاب خویش با عنوان «مدل‌های عقلانیت محدود» معتقد است اگر از من بخواهند فقط دو مورد از تألیفات خود را در زمینه اقتصاد برای انتقال به کهنکشان دیگری که در آن زندگی هوشمند کشف خواهد شد انتخاب کنم من دو تألیف «مدل‌های عقلانیت محدود» و «مدل‌های اندیشه» را انتخاب می‌کنم. سیمون معتقد است که تصمیم‌گیری انسان‌ها در عمل تحت تأثیر محدودیت‌های شناختی، عدم دسترسی کامل به اطلاعات و زمان محدود قرار دارد. به جای جستجوی گزینه بهینه، افراد به‌طور معمول به سمت گزینه‌هایی می‌روند که «رضایت‌بخش» بوده و نیازهای اولیه‌شان را برآورده می‌کند. این دیدگاه، برخلاف فرضیات کلاسیک از عقلانیت کامل، واقعیت‌های واقعی تصمیم‌گیری انسانی را منعکس می‌کند.

در ادامه نظریه «عقلانیت اقتصادی» توسط (کریس، ۱۹۸۸) توسعه پیدا کرده است. به علاوه مطالب مربوط به نظریه تصمیم‌گیری مصرف‌کننده و عقلانیت نیز در کارهای (شفیر و تورسکی، ۱۹۹۲ و ۱۹۹۵) خلاصه می‌شود. همچنین در مطالعات (کامرر، ۱۹۹۴؛ تورسکی و کاهنمن، ۱۹۸۶؛ شفیر و همکاران، ۱۹۹۳؛ سایمنسن، ۱۹۸۹؛ هوبر و همکاران، ۱۹۸۲؛ و پائینی و همکاران، ۱۹۸۸) با

توجه به اشکالات متعددی که به نظریه عقلانیت وارد شده است، سعی در تعدیل این نظریه با معرفی ابعاد جدیدی از عقلانیت همچون: «عقلانیت محدود» و پاسخ به برخی اشکالات عقلانیت شده است. (رابین‌اشستاین، ۱۹۹۸) در کتاب خود با عنوان «مدل‌سازی عقلانیت محدود» و (فریدمن و رابین‌اشستاین، ۱۹۹۸) در مقاله‌ای با همین عنوان معتقدند: اقتصاددانان اغلب از این فرض که تصمیم‌گیرندگان مانند یک «انسان عقلایی» رفتار می‌کنند عقب‌نشینی کرده‌اند، چرا که فروض انسان عقلایی اغلب غیرواقعی هستند. در واقع استدلال سنتی در اقتصاد متعارف، نه بر اساس فرآیند تصمیم‌گیری آن‌ها، بلکه بر اساس نتایج تصمیمات افراد است. بر این اساس حتی اگر تصمیم‌گیرنده به روشی که در روش انسان عقلایی توصیف شده رفتار نکند، باز هم ممکن است رفتار وی به گونه‌ای توصیف شود که گویی روشی عقلایی را دنبال می‌کند.

(سیدعقیل، ۱۹۸۹) در مقاله خود با عنوان «عقلانیت در نظریه اقتصادی: ارزیابی انتقادی»؛ (مک‌کینز، ۱۹۸۲) در کتاب خویش با عنوان «محدودیت‌های علم اقتصاد» و (سن، ۲۰۰۹) در کتاب خود با عنوان «نظریه عدالت» با توجه به نظریه «عقلانیت محدود» معتقدند: در اقتصاد متعارف به منظور ارائه یک مدل ساده از رفتار انسان و اطمینان از یک الگوی قابل پیش‌بینی از رفتار بازارها، انسان اقتصادی در تمام تلاش‌های خود عقلایی فرض می‌شود. اگرچه، رفتارهای او در مواقعی ممکن است منطقی نباشد، اما برای اهداف نظری با او طوری رفتار می‌شود که گویی عقلایی رفتار می‌کند. و همین موضوع یکی از اشکالات جدی وارد بر نظریه اقتصادی عقلانیت محدود در اقتصاد متعارف را شکل می‌دهد چرا که تمایز بین عقلانیت در واقع و عقلانیت در نظریه در اقتصاد متعارف مبهم است و هیچ‌گونه ارتباط و حلقه وصلی بین آن‌ها متصور نیست. (نجات‌الله صدیقی، ۲۰۰۱) نیز به دو دلیل نظریه «عقلانیت محدود» را در چارچوب اسلامی مطلوب نمی‌بیند؛ دلیل اول ایشان مربوط به انگیزه‌های خیرخواهانه مسلمین می‌شود علاوه بر این که مسلمین در رفتارهای خویش انگیزه‌های اخروی را نیز اعمال می‌کنند. دلیل دوم نیز به این مسئله مرتبط است که این نظریه نمی‌تواند تمامی جنبه‌های مختلف تصمیم‌گیری‌های پیچیده انسانی را در نظر بگیرد. او معتقد است که در تصمیمات انسانی، به ویژه از دیدگاه اسلامی، عوامل متعددی از جمله اخلاق، دین و تعهدات اجتماعی نقش اساسی دارند که نظریه «عقلانیت محدود» قادر به پوشش کامل آن‌ها نیست.

بیان مسئله و روش پژوهش

در بررسی مطالعات انجام شده در زمینه «عقلانیت محدود» باید گفت: برخی از اقتصاددانان اسلامی معتقدند که اقتصاد اسلامی راه حل بسیاری از شکست‌های اقتصادی نئوکلاسیک از جمله در زمینه «عقلانیت محدود» است (صدیقی، ۲۰۰۱). در مقابل برخی دیگر از اندیشمندان اسلامی صرفاً اقتصاد اسلامی را مکمل دیگر نظریات مطرح شده می‌دانند که می‌تواند با اقتصاد متعارف همراه باشد (اشرف، ۲۰۱۸). اما حقیقت مسئله این است که اقتصاد اسلامی به عنوان یکی از علوم اسلامی، بررسی فرد را با دیدگاهی متفاوت از تفکر اقتصادی جهان غرب انجام می‌دهد. در واقعیت، اقتصاد اسلامی، دیدگاه متمایزی نسبت به تحلیل فرد دارد که از تفکر اقتصادی جهان غرب متفاوت است. در اقتصاد غربی، فرد به عنوان یک عامل اقتصادی با منافع شخصی که به دنبال حداکثر کردن سود خود است، شناخته می‌شود. در مقابل، اقتصاد اسلامی به فرد به عنوان یک موجود اجتماعی و اخلاقی می‌نگرد که در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی خود نه تنها منافع دنیوی، بلکه منافع اخروی و اخلاقی را نیز در نظر می‌گیرد. این تفاوت بنیادین باعث می‌شود که اقتصاد اسلامی رویکردی جامع‌تر و چند بعدی‌تر به تحلیل رفتار اقتصادی افراد داشته باشد، که شامل جنبه‌های دینی، اجتماعی و اخلاقی نیز می‌شود. در واقع وجود مؤلفه‌های اسلامی در تحلیل اقتصادی قطعاً مفروضات متفاوتی با مفروضات موجود در نظریه‌های اقتصادی متعارف ایجاد می‌کند. به عنوان مثال: مفهوم انسان اقتصادی بر انسانی اطلاق می‌شود که اعمال و نگرش و رفتار او بر اساس احکام دینی اسلامی است که در قرآن و حدیث آمده است. رفتار یک فرد در نظریه اقتصاد اسلامی بر اساس انطباق با قوانین اسلامی (شرع اسلامی) پایه‌ریزی می‌شود (تان، ۲۰۱۳). به عبارت دیگر، افراد عقلایی در اقتصاد اسلامی افرادی هستند که سعی می‌کنند مطلوبیت خود را در حدود یا هنجارهای دین اسلام به حداکثر برسانند (حسین، ۲۰۲۰).

در این پژوهش، به منظور تحلیل و بررسی نظریه مختار اقتصاد اسلامی در زمینه عقلانیت ابتدا مفاهیم کلیدی عنوان مسأله مورد بررسی قرار گرفته است، در مرحله دوم تحقیق جامعی در کتب، مقالات و پایان‌نامه‌ها حول موضوع بحث صورت گرفته است و از دستاوردهای احتمالی، اطلاع حاصل شده است، در مرحله سوم تمامی آیات و روایات مرتبط با عقلانیت در سراسر قرآن کریم و کتب اربعه شیعه، کتاب شریف کافی و دیگر کتب روایی که در خلال بحث‌ها به آن‌ها اشاره شده

است بررسی و جمع‌آوری شده است، در مرحله چهارم تمام آیات و روایات، دسته‌بندی و مرتب شدند، در مرحله پنجم آیات و روایات دسته‌بندی شده، ترجمه و مورد تحلیل و تفسیر قرار گرفتند، در مرحله ششم حد دلالت آیات و روایات بر مسئله مشخص شدند و ترتیب آن‌ها در دلالت بر مسئله مشخص گردید و آیات و روایاتی که دلالت واضحی بر مسأله مورد بحث نداشتند حذف گردیدند، در نهایت در مرحله هفتم نظریه مختار در مسأله مورد بحث استخراج گردید.

سؤال اصلی این پژوهش بررسی محدودیت‌های روش‌شناختی نظریه عقلانیت محدود در اقتصاد متعارف و ارائه یک چارچوب نظام‌مند و منسجم از عقلانیت دینی در اقتصاد اسلامی است. این مطالعه به دنبال پاسخ به این پرسش است که چگونه می‌توان با نقد مبانی عقلانیت محدود در اقتصاد متعارف، که بر دو مؤلفه «بیشینه‌سازی نفع شخصی» و «سازگاری درونی انتخاب‌ها» استوار است، نظریه جایگزینی تحت عنوان «عقلانیت دینی» را طراحی کرد که علاوه بر رفع نقاط ضعف رویکرد متعارف، معیارهای جامع‌تری مانند «نفع‌گرایی فراگیر»، «عدالت اسلامی» و «تبعیت از تکالیف الهی» را در بر گیرد. پژوهش حاضر با استفاده از ابزار تحلیل متون اسلامی و استدلال عقلی، درصدد تبیین تمایزات سه‌گانه عقلانیت دینی (شکلی، روشی و محتوایی) با عقلانیت محدود و نشان دادن برتری آن در تبیین رفتار اقتصادی انسان از منظر اسلامی است.

پژوهش حاضر با کمک گرفتن از روش تحلیل متون اسلامی و روش عقلی و با استفاده از تکنیک پژوهش کتابخانه‌ای به دنبال تبیین رویکرد اقتصاد اسلامی در نظریه عقلانیت و بررسی محدودیت‌های نظریه عقلانیت محدود در اقتصاد متعارف می‌باشد. مقاله با طرح مفهوم «عقلانیت دینی» ابعاد جدیدی را در راستای تحلیل عقلانیت اقتصادی در اقتصاد اسلامی مطرح می‌کند. بنا به فرضیه مقاله، عقلانیت در بعد اسلامی از سه منظر «شکلی»، «روش» و «محتوایی» با رویکرد عقلانیت محدود در اقتصاد متعارف تفاوت دارد. در واقع عقلانیت دینی علاوه بر توسعه کامل در مبانی روش‌شناسی عقلانیت، دربردارنده سه مؤلفه «نفع‌گرایی فراگیر»، «عدالت اسلامی» و «تبعیت از تکالیف الهی» می‌باشد.

نظریه انتخاب عقلایی متعارف

مفهوم عقلانیت معمولاً به بهینه‌سازی (بیشینه یا کمینه‌سازی سود) در برخی از نظریات اقتصادی اشاره دارد. در حقیقت قبل از دهه ۱۹۵۰ اقتصاددانان تصور می‌کردند که انگیزه فعالیت‌های افراد «منافع شخصی» آن‌ها است، و این در حالی بود که اصطلاح «عقلانیت» به ندرت توسط اقتصاددانان استفاده می‌شد (ارو، ۱۹۸۶). به طور مشابه، روانشناسان قبل از دهه ۱۹۵۰ نیز تصور می‌کردند که تفکر را می‌توان با فرآیندهایی مانند: «تجدید ساختار»^۱ و یا «بینش»^۲ درک کرد، در حالی که محاسبه احتمالات و تصور بهینه‌سازی و عقلانیت نقش چندانی در صورت وجود نداشتند. اما این وضعیت پس از دهه ۱۹۵۰ تغییر کرد. به عنوان مثال: در روانشناسی، ابزارهای استنباط آماری در دهه ۱۹۵۰ نهادینه شد و توسط محققان به عنوان مدل‌های فرآیندهای شناختی مورد استفاده قرار گرفت. همچنین تجزیه و تحلیل واریانس فیشر، به عنوان مکانیزمی برای انتساب علیت تبدیل شد و نظریه تصمیم‌گیری نیمن-پیرسون^۳ به الگویی برای تشخیص برخی حقایق مورد استفاده قرار گرفت (گیگزور و موری، ۱۹۸۷). با استفاده از این ابزارها و نظریه‌های ابتکاری، فرآیندهای شناختی اقتصاد شامل محاسبه احتمالات، مطلوبیت‌ها و تصمیمات اقتصادی بهینه گردید. و در حقیقت این مسئله مسیری را فراهم کرد که از طریق آن ایده بهینه‌سازی وارد علوم رفتاری شود.

مفهوم عقلانیت در علوم اجتماعی و اقتصادی به‌طور گسترده‌ای مورد بحث و بررسی قرار گرفته است و به چندین جنبه مختلف مرتبط می‌شود (تیموری و همکاران، ۱۳۹۶). یکی از این جنبه‌ها، تأثیر محیط اجتماعی و فرهنگی بر تصمیم‌گیری‌های فردی است. افراد نه تنها تحت تأثیر منافع شخصی خود قرار دارند، بلکه فرهنگ، هنجارها و انتظارات اجتماعی نیز می‌توانند بر انتخاب‌های آن‌ها تأثیر بگذارند. به‌عنوان مثال، در جوامع مختلف، ارزش‌های اجتماعی ممکن است بر ترجیحات و رفتارهای اقتصادی افراد تأثیر بگذارد (نظری و دانش، ۱۳۹۱).

علاوه بر این، مفهوم «عقلانیت هیوریستیک»^۴ مطرح شده است که به روش‌های ساده‌تری اشاره دارد که افراد برای تصمیم‌گیری در شرایط عدم قطعیت استفاده می‌کنند. این روش‌ها می‌توانند

1. Restructuring
2. Insight
3. Neyman-Pearson Decision Theory
4. Heuristics Rationality

شامل قضاوت بر اساس تجربیات گذشته یا استفاده از نشانه‌های ساده باشند. به‌جای محاسبات پیچیده، افراد ممکن است به راه‌حل‌های سریع و کارآمد روی آورند که ممکن است به طور کلی به بهینه‌سازی منجر نشود (دهقانی، ۱۴۰۲).

همزمان با تصویر عقلانیت به عنوان یکی از مؤلفه‌های بهینه‌سازی افراد و استفاده از آن در نظریات و تحقیقات بسیاری از رشته‌ها همچون اقتصاد، مفهوم عقلانیت محدود نیز پدیدار شد (سیمون، ۱۹۵۶؛ سلتن، ۱۹۹۸). هربرت سیمون، برای معرفی اصطلاح عقلانیت محدود از استعاره قیچی استفاده می‌کند، جایی که یک تیغه آن محدودیت‌های شناختی افراد و دیگری ساختار محیط است. با این وجود، توجه به این نکته ضروری است که افراد با زمان، دانش و سایر منابع محدود نیز می‌توانند با بهره‌برداری از ساختارها در محیط خود موفق شوند. (سیمون، ۱۹۵۶: ۱۲۹)

در همین ارتباط معتقد است: تصمیم‌گیری عقلایی افراد در صورتی می‌تواند موفق شود که توجه داشته باشیم که محیطی که افراد باید با آن سازگار شوند دارای ویژگی‌هایی است که می‌تواند مکانیسم‌های انتخابی افراد را ساده‌تر کند. در حقیقت سیمون به همان استعاره قیچی اشاره دارد، جایی که تنها مطالعه یک لبه قیچی کافی نیست، بلکه توجه به هر دو لبه می‌تواند تأثیرگذار باشد.

مفهوم عقلانیت محدود با توجه به محدودیت‌های شناختی افراد و محدودیت‌های محیطی، رویکردی نوین به تحلیل تصمیم‌گیری‌ها ارائه می‌دهد. هربرت سیمون با استفاده از استعاره قیچی، این موضوع را توضیح می‌دهد؛ جایی که یک لبه قیچی نشان‌دهنده محدودیت‌های شناختی و دیگری بیانگر ساختارهای محیطی است. این استعاره نشان می‌دهد که برای درک دقیق تصمیم‌گیری‌های افراد، باید هر دو عامل را در نظر گرفت.

سیمون تأکید می‌کند که حتی با وجود محدودیت‌های زمانی، دانشی و منابع، افراد می‌توانند با بهره‌برداری بهینه از محیط خود، تصمیمات موفق‌تری بگیرند. او به این نکته اشاره دارد که محیط‌هایی که افراد در آن قرار دارند، ویژگی‌هایی دارند که می‌توانند فرآیند انتخاب و تصمیم‌گیری را ساده‌تر کنند. به عبارت دیگر، برای تصمیم‌گیری عقلایی و موفق، باید نه تنها محدودیت‌های شناختی فردی بلکه ساختارها و ویژگی‌های محیطی نیز مورد توجه قرار گیرند. (سیمون: ۱۹۵۶)

این رویکرد، علاوه بر تأکید بر محدودیت‌های شناختی، به اهمیت استفاده از ساختارهای محیطی در بهبود تصمیم‌گیری‌ها می‌پردازد. بنابراین، درک و تحلیل محیط به همراه شناخت محدودیت‌های

فردی می‌تواند به تصمیم‌گیری‌های بهتر و کارآمدتر منجر شود. در حقیقت، تنها با توجه به هر دو جنبه شناختی و محیطی می‌توان به تحلیل کاملی از فرآیند تصمیم‌گیری دست یافت. بنابراین آنچه تا این‌جا می‌توان از مطالعات در زمینه عقلانیت در اقتصاد متعارف استنباط کرد این نکته است که مدل‌های عقلانیت صرفاً و لزوماً نتیجه تصمیم افراد را بیان نمی‌کنند، بلکه نحوه و چگونگی دستیابی به یک قضاوت یا تصمیم (یعنی فرآیندهای ابتکاری یا مکانیسم‌های تأثیرگذار) را توصیف می‌کنند. به علاوه این مدل‌ها می‌توانند سطح و شرایط محیط اقتصادی را توصیف کنند که در آن‌ها روش‌های اکتشافی، موفق یا ناموفق خواهند بود. نکته‌ای که در مورد مدل‌های عقلانیت وجود دارد این موضوع است که از فرض بهینه‌سازی صرف نظر کرده و آن را نادیده می‌انگارند. علت این عدم فرض نیز این است که در بسیاری از موقعیت‌های دنیای واقعی مفروضات غیرواقعی و به عبارت دقیق‌تر غیرقابل پیش‌بینی و اندازه‌گیری در مورد دانش، زمان و سایر منابع در دسترس بشر وجود دارد (سلتن، ۲۰۰۲). البته توجه به این نکته ضروری است که صرف نظر کردن از بهینه‌سازی به عنوان مدلی از فرآیندهای شناختی عقلانیت به این معنا نیست که نتیجه استراتژی عدم بهینه‌سازی مطلوب، و صرفاً به دلیل نتایج نامطلوب کنار گذاشته می‌شود. در حقیقت، بهینه‌سازی اغلب بر اساس مفروضات نامعلوم انجام می‌شود که خود حدسی هستند و در نتیجه این امکان وجود دارد که به اندازه‌ی مجموعه فرضیات نتایج مختلف، استراتژی‌های بهینه‌سازی نیز وجود داشته باشد. در این موارد خاص، حتی ممکن است اکتشافات ذهنی افراد بتوانند با یک استراتژی بهینه‌سازی خاص مطابقت داشته باشند یا حتی از آن بهتر عمل کنند.

تفاسیر اقتصاددانان از نظریه‌ی عقلانیت محدود

در دهه‌های اخیر مبانی روش شناختی و فلسفی متفاوتی برای نظریه عقلانیت محدود ارائه شده است. (آمارتیا سن، ۱۹۸۸: ۱۲) تفسیر اقتصاددانان از نظریه‌ی عقلانیت محدود را در دو مؤلفه «بیشینه‌سازی نفع شخصی»^۱ و «سازگاری درونی»^۲ خلاصه می‌کند.

۱. «بیشینه‌سازی نفع شخصی»: حداکثرسازی منافع شخصی بر اساس مطابقت بین انتخاب‌هایی که شخص انجام می‌دهد و منافع شخصی او تعریف می‌شود (سن، ۱۹۸۸:

1. Maximization of self-interest

2. Internal consistency

۱۵). (اسمیت، ۱۷۹۰: ۱۴۰) در ارتباط با اهمیت بیشینه‌سازی نفع شخصی به عنوان یکی از مؤلفه‌های عقلانیت اقتصادی معتقد است که انسان باید خود را نه به عنوان موجودی جدا شده، بلکه به عنوان یک شهروند جهان و عضوی از مشترکات وسیع طبیعت تلقی کند. در این جامعه او باید در هر زمان حاضر باشد که منافع اندک خود را قربانی کند. اسمیت در حالی از این ویژگی یاد می‌کند که فضیلت‌های دیگری همچون: انسانیت، عدالت و سخاوت نیز به عنوان ویژگی‌های مفیدتری می‌توان از آن‌ها برای افراد یاد کرد که اسمیت آن‌ها را نادیده گرفته است (سن، ۱۹۸۸: ۲۲).

(استیگلر، ۱۹۸۱: ۱۹۰) در دفاع از بیشینه‌سازی نفع شخصی معتقد است: «ما در دنیای زندگی می‌کنیم که افراد آگاه و منطقی به دنبال منافع شخصی خود هوشمندانه عمل می‌کنند». به نظر می‌رسد شواهد این باور ارائه شده توسط استیگلر تا حد زیادی محدود به پیش‌بینی‌های خود استیگلر باشد و نه تحقیقات و نتایجی که از پژوهش‌های دیگران به دست آورده است، چرا که استیگلر در ادامه معتقد است: بگذارید نتیجه آزمایش سیستماتیک و جامع رفتار را در شرایطی پیش‌بینی کنم که منافع شخصی و ارزش‌های اخلاقی با وفاداری کلامی در تضاد هستند. در حقیقت در بیشتر مواقع، نظریه منافع شخصی پیروز می‌شود (استیگلر، ۱۹۸۱: ۱۹۰).

سن نیز در مورد ارزیابی بیشینه‌سازی نفع شخصی به عنوان یکی از مؤلفه‌های عقلانیت معتقد است در حقیقت هیچ مدرکی برای این ادعا وجود ندارد که به حداکثر رساندن منافع شخصی بهترین تقریب را برای رفتار واقعی انسان ارائه می‌دهد و نه اینکه الزاماً به شرایط اقتصادی مطلوب منتهی می‌شود (سن، ۱۹۸۸: ۱۱).

۱. «سازگاری درونی»: رویکرد سازگاری درونی اغلب در نظریات تصمیم‌گیری، اقتصاد خرد و نظریه بازی‌ها استفاده می‌شود (سن، ۱۹۷۱؛ ارو، ۱۹۵۹؛ شوارتز، ۱۹۷۲؛ نش، ۱۹۵۰؛ ساموئلسن، ۱۹۳۸)؛ و به عنوان هسته مرکزی انتخاب عقلایی در برخی از پژوهش‌ها از آن یاد شده است (ریچتر، ۱۹۷۱). سازگاری درونی در جهت عملکرد انتخاب به این معنا است که این نظریات نیاز به مطابقت بین بخش‌های مختلف یک تابع انتخاب را دارند،

بدون استناد به هیچ چیز خارج از انتخاب همچون: انگیزه‌ها، اهداف و اصول اساسی (سن، ۱۹۹۳: ۴۹۵). همچنین به اعتقاد سن سازگاری درونی زمانی محقق خواهد شد که فرد از بین مجموعه گزینه‌هایی که اختیار انتخاب دارد به گونه‌ای نظام‌مند و مستدل انتخاب کند. معیار این رویکرد نیز به صورتی است که فرد باید از بین گزینه‌های موجود انتخاب انجام دهد که به صورت دو به دو (عمدتاً در قالب ترجیحات) با یکدیگر سنجیده شده و بهترین گزینه انتخاب گردد (سن، ۱۹۸۷: ۶۸).

رویکرد سازگاری درونی در دیدگاه آمارتیا سن نمی‌تواند شرط کافی عقلانیت باشد. سن معتقد است اگر شخصی دقیقاً برعکس آنچه را که برای دستیابی به آن تلاش می‌کند انجام دهد و این کار را با رعایت سازگاری درونی بی‌عیب و نقص انجام دهد، به سختی می‌توان رفتار چنین شخص را منطقی در نظر گرفت، حتی اگر این سازگاری درونی نوعی تحسین را از سوی ناظر برانگیزد. در حقیقت انتخاب عقلانی باید حداقل چیزی در مورد مطابقت بین آنچه که شخص تلاش می‌کند به آن برسد و نحوه رسیدن به آن مورد توجه قرار دهد (سن، ۱۹۸۸: ۱۳).

به اعتقاد سن، آنچه ما در مجموعه‌ای از انتخاب‌های مشاهده شده سازگاری درونی تصور می‌کنیم باید به تفسیر آن انتخاب‌ها و برخی ویژگی‌های خارج از انتخاب بستگی داشته باشد. به عنوان مثال: ماهیت ترجیحات، اهداف، ارزش‌ها، انگیزه‌ها باید مورد توجه قرار گیرد و تنها در این صورت است که می‌تواند برای تضمین عقلانیت فرد، کافی باشد (سن، ۱۹۸۸: ۱۴).

رویکرد بیشینه‌سازی منافع شخصی مطمئناً با انتقادهایی که علیه رویکرد سازگاری درونی عقلانیت مطرح شده است روبرو نیست. اما از این جهت این رویکرد با اشکال مواجه است که از نظر تاریخی، تفسیر منافع شخصی به عنوان یکی از مؤلفه‌های عقلانیت غیرقابل درک است. و این مسئله یکی از ویژگی‌های اصلی نظریه‌پردازی اقتصادی برای چندین قرن بوده است. البته ممکن است اصلاً بیهوده نباشد که ادعا کنیم حداکثرسازی منافع شخصی منطقی است. حداقل نه لزوماً اما در اکثر موارد این استدلال که هر چیزی غیر از به حداکثر رساندن منافع شخصی باید غیرمنطقی باشد، در مجموع منطقی به نظر می‌رسد (سن، ۱۹۸۸: ۱۵).

(استیگلر، ۱۹۸۱: ۱۸۹-۱۹۰) استدلال می‌کند که آزمایش فرضیه حداکثرسازی مطلوبیت دشوار به نظر می‌رسد، و این موضوع نه به دلیل ابهامات خاص خود بلکه به دلیل این است که هیچ مجموعه اعتقادی اخلاقی پذیرفته شده‌ای وجود ندارد که بتوان از نظر سازگاری با این فرضیه آزمایش کرد. با این حال، می‌توان استدلال کرد که اگر در تعریف فرضیه حداکثرسازی مطلوبیت ابهاماتی وجود نداشته باشد، باید بتوان نتایج این فرضیه را در مقابل انحرافات جهت‌دار منافع دیگر افراد آزمایش کرد. همچنین بر خلاف ادعای استیگلر در آزمایش این که آیا فرضیه حداکثرسازی مطلوبیت در صورت عدم ابهام صحیح است یا خیر، نیازی به مقایسه آن با یک مجموعه پذیرفته شده از باورهای اخلاقی نیست.

به علاوه در کتاب عقلانیت و آزادی (۲۰۰۲) آمارتیاسن به نقد برداشت‌های اقتصاددانان از نظریه عقلانیت محدود پرداخته و معتقد است که این برداشت‌ها به شکلی تنگ نظرانه صرفاً به محدودیت‌های شناختی افراد اشاره می‌کنند و جنبه‌های ارزشمند و اخلاقی تصمیم‌گیری را نادیده می‌گیرند. او بیان می‌کند که دیدگاه رایج در اقتصاد، عقلانیت را تنها از منظر توانایی‌های محاسباتی و هزینه فایده بررسی می‌کند و به ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی که در فرآیند انتخاب نقش دارند، توجه کافی نمی‌شود.

آمارتیاسن تأکید می‌کند که اگرچه محدودیت‌های شناختی واقعیت‌هایی هستند که در تصمیم‌گیری نقش دارند، اما نباید این محدودیت‌ها به عنوان معیاری برای نادیده گرفتن جنبه‌های عمیق‌تر و چندوجهی عقلانیت مورد استفاده قرار گیرند. او استدلال می‌کند که فهم محدود از عقلانیت، به مدل‌هایی منجر می‌شود که صرفاً رفتار انسان را به الگوریتم‌های ساده و قابل پیش‌بینی کاهش می‌دهد و ناتوان است تأثیر عوامل اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی را در تبیین انتخاب‌های انسانی به درستی منعکس کند.

به گفته آمارتیاسن، برای درک جامع‌تر و صحیح‌تر از رفتار انسانی، لازم است که نظریه عقلانیت محدود با ابعاد دیگری همچون آزادی، ارزش‌ها و تعاملات اجتماعی ترکیب شود. او بر این باور است که پذیرش یک چارچوب چندبعدی نه تنها محدودیت‌های شناختی بلکه انگیزه‌ها، باورها و شرایط اجتماعی را نیز در بر می‌گیرد، به طوری که تصمیم‌گیری انسان به عنوان پدیده‌ای پیچیده و در حال تحول در نظر گرفته شود.

به طور خلاصه جریان اصلی اقتصاد متعارف، عقلانیت رفتار انسان را با سازگاری درونی انتخاب و بیشینه‌سازی منافع شخصی شناسایی می‌کند، اما همان‌طور که سن اشاره می‌کند هیچ مدرکی برای این ادعا وجود ندارد که حداکثرسازی منافع شخصی بهترین تقریب را برای رفتار افراد ارائه می‌دهد. رفتار واقعی انسان نه الزاماً به شرایط اقتصادی مطلوب منتهی می‌شود و نه می‌تواند تقریب صحیحی از شرایط مختلف ارائه دهد. به عنوان شاهد مثال این مدعی نیز می‌توان به اقتصادهای بازار آزاد مانند ژاپن اشاره کرد که در آن‌ها خروج سیستماتیک رفتار منفعت‌طلبانه در جهت رفتار مبتنی بر قوانین و وظیفه، وفاداری و حسن نیت برای دستیابی به کارآیی اقتصادی فردی و گروهی بسیار مهم است.

محدودیت‌های نظریه عقلانیت محدود

اصطلاح عقلانیت محدود برای تعیین و شناسایی انتخاب عقلانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که در آن محدودیت‌های شناختی تصمیم‌گیرنده و همچنین محدودیت‌های دانش و ظرفیت محاسباتی در نظر گرفته نشده است. عقلانیت محدود موضوعی محوری در رویکرد رفتاری به اقتصاد است که عمیقاً به شیوه‌هایی که فرآیند تصمیم‌گیری واقعی بر تصمیمات حاصله تأثیر می‌گذارد توجه دارد. در این زمینه به محدودیت‌های مختلف در زمینه انتخاب و گزینش، عدم تعریف دقیق و چارچوب صحیح معنایی و تعارض امیال و محدودیت‌های اخلاقی در ارتباط با این نظریه اشاره شده است. فریدمن و لیونل رابینز با تردید در مورد تعاریف ارائه شده از عقلانیت محدود، به عدم تعریف دقیق این رویکرد و مشخص نبودن چارچوب صحیح معنایی آن اشاره می‌کنند (فریدمن، ۱۹۵۳؛ رابینز، ۱۹۳۲). برخی دیگر از اقتصاددانان نهادی همچون هیرشمن به محدودیت‌های انتخاب و گزینش افراد در تصمیم‌گیری اشاره می‌کنند، بر این اساس حتی در صورت فرض وجود اطلاعات کامل و در دسترس بودن آن، افراد با محدودیت انتخاب و گزینش روبه‌رو هستند (هیرشمن، ۱۹۷۰؛ ۱۹۸۲؛ بکر، ۱۹۶۲). آمارتیا سن به مردود بودن معیار نفع شخصی به عنوان ملاکی برای عقلانیت محدود اشاره می‌کند. از نظر آمارتیا سن این معیار شامل تمامی انتخاب‌ها می‌شود، علاوه بر این که نمی‌تواند توضیح مناسبی در مورد انگیزه‌های خیرخواهانه ارائه دهد (سن، ۱۹۷۷؛ ۱۹۸۷). برخی از دیگر محققان همچون هربرت سیمون با ایجاد شک و تردید در مورد اصل توانایی افراد در بیشینه‌سازی

نفع شخصی به وجود محدودیت‌های شناختی افراد و همچنین محدودیت در دسترسی و پردازش اطلاعات اشاره می‌کنند (سیمون، ۱۹۹۰).

اصطلاح عقلانیت محدود به بررسی انتخاب‌های عقلانی می‌پردازد که در آن محدودیت‌های شناختی و ظرفیت‌های محاسباتی تصمیم‌گیرنده نادیده گرفته می‌شود. این مفهوم در رویکرد رفتاری به اقتصاد اهمیت ویژه‌ای دارد و به نحوه تأثیر فرآیندهای واقعی تصمیم‌گیری بر نتایج آن توجه می‌کند. به‌طور خاص، این نظریه به محدودیت‌های مختلفی اشاره دارد که افراد در انتخاب و گزینش با آن مواجه هستند. این محدودیت‌ها شامل عدم تعریف دقیق و چارچوب صحیح معنایی، تعارض امیال و محدودیت‌های اخلاقی می‌شود.

فریدمن و رابینز به انتقاد از تعاریف ارائه‌شده از عقلانیت محدود پرداخته و بر عدم وضوح این رویکرد تأکید می‌کنند. آن‌ها معتقدند که عدم تعریف دقیق این مفهوم می‌تواند به سردرگمی در تحلیل‌های اقتصادی منجر شود. همچنین، اقتصاددانانی مانند هیرشمن به محدودیت‌های انتخاب افراد در تصمیم‌گیری اشاره دارند و بیان می‌کنند که حتی با فرض وجود اطلاعات کامل، افراد همچنان با محدودیت‌هایی در انتخاب مواجه هستند.

آمارتیا سن نیز به نقد معیار نفع شخصی به عنوان ملاکی برای عقلانیت محدود می‌پردازد و معتقد است که این معیار نمی‌تواند به‌خوبی انگیزه‌های خیرخواهانه را توضیح دهد. در همین راستا، هربرت سیمون به محدودیت‌های شناختی افراد و چالش‌های مرتبط با دسترسی و پردازش اطلاعات اشاره می‌کند. این نکته مهم است که عقلانیت محدود نه تنها به تصمیمات اقتصادی بلکه به رفتارهای اجتماعی و اخلاقی نیز گسترش می‌یابد و به ما کمک می‌کند تا درک بهتری از چگونگی تصمیم‌گیری انسان‌ها در دنیای واقعی داشته باشیم. در نهایت، این مفهوم به ما یادآوری می‌کند که تصمیم‌گیری انسان‌ها پیچیده‌تر از آن چیزی است که در مدل‌های اقتصادی کلاسیک نمایش داده می‌شود.

۱. عدم تعریف دقیق و چارچوب صحیح معنایی

یکی از مفاهیم رایج عقلانیت در اقتصاد متعارف به عنوان «تدبیر سنجیده»^۱ از آن یاد می‌شود (هادسون، ۲۰۱۲: ۹۴)؛ معنایی که نه می‌توان آن را با مفهوم «انتخاب»^۲ (لیونل رابینز، ۱۹۳۲) و نه

1. Thoughtful deliberation
2. Choice

روش «گویی»^۱ میلتون فریدمن (۱۹۵۳) مرتبط دانست. در حقیقت وقتی (هربرت سیمون، ۱۹۵۷) در دفاع از عقلانیت محدود در برخی از پژوهش‌های خود استدلال می‌کند، از این اصطلاح برای اشاره به ظرفیت محاسباتی و مشورتی محدود افراد استفاده می‌کند.

معنای مشابه دیگری که در ادبیات اقتصاد متعارف از عقلانیت اراده می‌شود به «اقدام بر طبق دلایل»^۲ اطلاق شده است و یا این که به عنوان مفهوم عقل‌گرایانه اقدام افراد توصیف شده است، اگرچه از نظر ریشه‌شناسی می‌توان عقلانیت را به این معنای دقیق دانست، اما همین معانی نیز مورد انتقاد پژوهش‌های متعددی قرار گرفته است (هیندس، ۱۹۷۷؛ هادسون، ۱۹۸۸). در حقیقت استفاده از معانی مختلف عقلانیت توسط اقتصاددانان، بسیاری از پژوهشگران پیرامون بحث‌های مفهوم عقلانیت را دچار سردرگمی کرده است.

مفهوم برجسته دیگر عقلانیت که در ادبیات اقتصاد متعارف به وضوح از آن یاد می‌شود این حقیقت است که افراد سعی می‌کنند در هر شرایطی که در آن هستند بهترین کار را انجام دهند. نتیجه مهم این تفسیر از عقلانیت این است که عوامل به مشوق‌ها پاسخ می‌دهند. اگر چه اساس این ایده از عقلانیت اشکالی ندارد، اما این تفسیر به ما نمی‌گوید که مردم چگونه وضعیت خود را تفسیر می‌کنند یا بهترین هدف را تشخیص می‌دهند. همچنین این قرائت از عقلانیت تصدیق نمی‌کند که تفسیرهای متفاوتی از موقعیت‌ها و در نتیجه اهداف مختلف در اغلب شرایط ممکن است، و این در حالی است که ایده عقلانیت در پی جویی همین هدف پایه‌ریزی شده است. اشکال این تفسیر از عقلانیت که فرد بهترین کار را در شرایط مختلف انتخاب می‌کند این است که فاقد جزئیات توضیحی لازم در مورد شناخت عامل و شکل‌گیری هدف است. همچنین ممکن است برای تأیید مفاهیم نفع شخصی در مورد انجام بهترین کار در شرایط مختلف که در واقع با شواهد این ادعا تضعیف می‌شود، مورد استفاده قرار گیرد. به بیانی دیگر مفهوم «انجام بهترین کار» در مورد عقلانیت کاملاً دارای اشکال نیست، چرا که در حقیقت به ضرورت حل مسئله اشاره می‌کند، اما فاقد جزئیات حیاتی است. برای جلوگیری از سردرگمی، بهتر است مفهوم «انجام بهترین کار» را دنبال کردن مشوق‌ها یا سازگاری با شرایط مختلف توصیف کرد. اما در مورد همین مفاهیم نیز جزئیات دقیق‌تری در توضیح این اصطلاحات لازم است (هادسون، ۲۰۱۲: ۹۵).

1. As if
2. Acting for reasons

در حقیقت یکی از اشکالات پایه‌ای بیشینه‌سازی مطلوبیت تعریف بسیار کلی و عدم جامع و مانع بودن این تعریف است. در نتیجه به دلیل این ضعف پایه‌ای قدرت توضیح‌دهندگی این معیار در شرایط مختلف تصمیم‌گیری افراد به شدت تضعیف شده و معیار بودن آن توسط برخی از اقتصاددانان مورد شک و تردید قرار گرفته است. بررسی دقیق فرض عقلانیت محدود نشان می‌دهد که نتایج این رویکرد همیشه به فروزی اضافی نیز متکی هستند. به عنوان نمونه: (گری بکر، ۱۹۷۶؛ ۱۹۹۱؛ ۱۹۹۶)، استدلال می‌کند که فرض عقلانیت محدود تعدادی از پیش‌بینی‌های قابل ارزیابی را در ارتباط با رفتارهای انسانی تولید می‌کنند؛ اما نکته اینجاست که تمامی پیش‌بینی‌های بکر بر فروزی اضافی، غیر از هسته اصلی اصول موضوعه بیشینه‌سازی مطلوبیت متکی هستند. در حقیقت به دلیل صعوبت فرض شواهدی در رد این اصول موضوعه، این مدل‌ها باید بر فرض کمکی نیز متکی باشند تا بتوانند نتایج خاص خود را دارا باشند. (مارک بلاگ، ۱۹۹۲: ۲۳۲) با تأیید این مدعی، معتقد است فرض عقلانیت محدود، فی‌نفسه ضعیف هستند و برای این که این فرض بتواند نتایج مطلوب خود را داشته باشند ما ملزم هستیم تا فرض کمکی را نیز به این فرض اضافه کنیم.

۲. محدودیت‌های شناختی و پردازش اطلاعات

این محدودیت فقدان دانش و توانایی محدود افراد در پیش‌بینی آینده را در مورد رویکرد عقلانیت محدود مورد توجه قرار داده است. مشکلات شناختی به وضوح در تصمیماتی که در مقیاس ملی نیز گرفته می‌شود مشاهده می‌شوند، چه رسد به این که در باب فردی از آن‌ها بحث شود؛ به عنوان نمونه می‌توان به این پرسش‌ها اشاره کرد: آیا ساخت یک وسیله نقلیه مافوق صوت می‌تواند مشکلات ترافیکی را حل کند؟ اقدامات لازم برای مقابله با باران‌های اسیدی چه مواردی را شامل می‌شود؟ سیاست‌های فدرال رزرو در مورد نرخ بهره و البته تصمیمات بسیار سرنوشت‌ساز جنگ و صلح چگونه باید اتخاذ شود؟ (سیمون، ۱۹۹۰: ۱۶)

محدودیت‌های شناختی فقط محدودیت اطلاعات خاصی را شامل نمی‌شوند. بلکه تقریباً همواره در مورد کفایت نظریه‌های علمی که می‌توانند برای پیش‌بینی پدیده‌های مربوطه استفاده شوند نیز محدودیت دارند. به عنوان مثال، نظریه‌های موجود در مورد شیمی و هواشناسی، در برآورد پیامدهای زیست محیطی یا بهداشتی مقادیر معین و توزیع آلاینده‌های هوا، عدم قطعیت زیادی را به دنبال

دارند. به طور مشابه دقت پیش‌بینی‌های اقتصاد با استفاده از مدل‌های رایانه‌ای به دلیل عدم آگاهی از مکانیسم‌های اساسی اقتصادی نشان داده شده در معادلات مدل‌ها، به شدت محدود و غیرقطعی هستند (سیمون، ۱۹۹۰: ۱۶).

۳. محدودیت‌های نفع شخصی به عنوان ملاک عقلانیت

(پل ساموئلسون، ۱۹۳۷: ۱۵۶) در مقاله‌ای با عنوان «یادداشتی در باب سنجش مطلوبیت» هنگامی که در مورد بیشینه‌سازی مطلوبیت بحث می‌کند به این نکته اذعان دارد که همه انواع رفتارهای قابل مشاهده فرد ممکن است از چنین فرضی یعنی بیشینه‌سازی مطلوبیت ناشی شود. در حقیقت از آنجا که مطلوبیت قابل مشاهده نیست، انواع رفتارها را می‌توان بر اساس فرض بیشینه‌سازی نفع شخصی توضیح داد بدون این که مناقشه‌ای در باب رد این مسئله وجود داشته باشد. به علاوه (سیدنی وینتر، ۱۹۶۴؛ و لارنس بولند، ۱۹۸۱) نیز معتقدند که هیچ دلیلی نمی‌تواند این نظریه را که عوامل اقتصادی به دنبال بیشینه‌سازی مطلوبیت هستند را رد کند. (آمارتیا سن، ۱۹۷۷: ۳۲۵) به طور مشابه به اشکال دور بودن توضیح رفتار فرد از نظر ترجیحات اشاره می‌کند که به نوبه خود این ترجیحات فقط با رفتار تعریف می‌شوند. (سن، ۱۹۸۷: ۷۳) تصریح می‌کند که توصیف انتخاب افراد در شرایط بیشینه‌سازی مطلوبیت هیچ مدرک مستقلی در مورد آنچه که فرد قصد انجام یا تلاش برای دستیابی به آن را دارد ارائه نمی‌دهد.

بر اساس شواهد تجربی، برخی اقتصاددانان همچون: (پلات و گلیمچر، ۱۹۹۹؛ گلیمچر و همکاران، ۲۰۰۵) این ادعا را مطرح می‌کنند که عملکرد بیشینه‌سازی نفع شخصی به عنوان یک واقعیت فیزیولوژیکی در داخل مغز وجود دارد. این ادعا توسط (جک ورومن، ۲۰۱۰) مورد بررسی دقیق قرار گرفته است، ورومن معتقد است که در بهترین حالت شواهد عصبی مغز با پیش‌بینی‌های نظریه بیشینه‌سازی مطلوبیت مورد انتظار سازگاری نشان می‌دهد. اما حقیقت این است که هیچ مدرکی مبنی بر محاسبه واقعی کاربرد بیشینه‌سازی در مغز افراد وجود ندارد. در نتیجه این استدلال که هرگونه نتیجه مشاهده شده را می‌توان با برخی از عملکردهای ذهنی مغز مطابقت داد، ادعایی غیرواقعی و غیرقابل محاسبه است و درواقع این فروض توسط هیچ نظریه اقتصادی پشتیبانی نمی‌شوند. شاهد این مدعی نیز پژوهش‌هایی است که توسط (کالین و همکاران، ۲۰۰۵) انجام شده

است. این محققین پس از بررسی گسترده شواهد این مدعی، معتقدند این ادعا که علوم اعصاب از یک مدل استاندارد انتخاب عقلایی پشتیبانی می‌کنند جای شک و تردید بسیار دارند. در حقیقت این محققین معتقدند شواهدی که تا حدودی می‌توان این فرض را به آن‌ها نسبت داد صرفاً مربوط به تصمیمات ساده فردی است و نه انتخاب‌های انتزاعی، پیچیده و بلندمدت که اساس نظریات اقتصادی را تشکیل می‌دهند.

در حقیقت مفهوم بیشینه‌سازی نفع شخصی به قدری گسترده است که فراتر از پارامترهای تصمیم افراد قرار می‌گیرد. تحقیقات تجربی که در زمینه موش‌ها و برخی دیگر از حیوانات انجام شده است (کیگل و همکاران، ۱۹۸۱؛ ۱۹۹۵) نشان می‌دهد که حیوانات نیز همانند انسان‌ها دارای منحنی تقاضای نزولی هستند. (بکر، ۱۹۹۱: ۳۰۷) در همین زمینه معتقد است تحلیل‌های اقتصادی به عنوان ابزاری قدرتمند نه فقط در درک رفتار انسان‌ها، بلکه در درک رفتار دیگر گونه‌ها نیز کاربرد دارند. به طور مشابه (تولاک، ۱۹۹۴) نیز معتقد است که ارگانسیم‌های موجود در طبیعت از باکتری‌ها تا خرس‌ها را می‌توان در مورد آن‌ها نفس عملکرد مطلوبیتی را تصویر کرد که در تئوری‌های اقتصاد خرد در کتب مختلف در مورد افراد بشر بیان می‌شود. بنابراین بیشینه‌سازی مطلوبیت از زمان شکل‌گیری گونه‌های انسانی در تمامی جوامع انسانی و با تمامی اختلافات آن‌ها کاربرد دارد، همان‌گونه که در قلمرو مختلف گونه‌های حیوانی این فرض قابل تصویر است. به طور خلاصه و با توجه به شواهد تحقیقاتی در این زمینه، می‌توان بیان کرد که شواهدی از عقلانیت در تمامی گونه‌های جانداران قابل تصویر است، در نتیجه چنین فرضی از عقلانیت نمی‌تواند به طور خاص طبیعت رفتار انسانی و جوامع انسانی را مشخص کنند.

۴. محدودیت‌های انتخاب و گزینش

تابع مطلوبیت در رویکرد عقلانیت محدود انتخاب‌های انسانی را فرض می‌کند که لزوماً در واقعیت محقق نمی‌شوند. به بیان دیگر فرض بیشینه‌سازی بار محاسباتی سنگینی را بر دوش تصمیم‌گیرنده قرار می‌دهد و در نتیجه افراد در اکثر شرایط نمی‌توانند فرض بیشینه‌سازی را محقق کنند، چرا که نظریه عقلانیت محدود به دنبال این است که از نظر تئوری و در رفتار واقعی، روش‌هایی را انتخاب کند که از نظر محاسباتی ساده‌تر هستند و می‌توانند ناسازگاری‌های مشاهده

شده در الگوهای انتخاب بشر را محاسبه کنند اما آن چه در واقعیت، این رویکرد ارائه می‌دهد دقیقاً در مقابل این اهداف قرار می‌گیرد (سیمون، ۱۹۹۰؛ هیرشمن، ۱۹۷۰، ۱۹۸۲).

(گری بکر، ۱۹۶۲) در مقاله‌ای با عنوان «رفتار عقلانی و نظریه اقتصادی» نشان می‌دهد که برخی از قضایای اساسی اقتصاد خرد که از لحاظ تجربی نیز آزمایش و اثبات شده‌اند همچون: منحنی‌های تقاضای بازار برای کالاهای فردی که دارای شیب منفی هستند، با طیف گسترده‌ای از رفتارهای غیرعقلانی و ناکارآمد از طرف مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان همراه هستند (بکر، ۱۹۶۲: ۸). در حقیقت گری بکر معتقد است که این قضایا در اصل بر فرض تخریب عقلانیت مشتق شده‌اند. به طور خلاصه می‌توان گفت انتقاداتی که در فرض عقلانیت محدود وجود دارد صرفاً مربوط به فقدان همبستگی تجربی این نظریه نمی‌شود، بلکه این حقیقت نیز وجود دارد که این فروض عقلانیت محدود می‌تواند هر موقعیت تصمیم‌گیری قابل تصور و هر مکانیسم علی احتمالی را که زمینه‌ساز انتخاب فرد است را پوشش دهد. این اشکال تا آنجا که مربوط به ویژگی‌های مشترک هر موقعیت تصمیم‌گیری برای فرد می‌شود مشکل‌ساز نیست، اما حقیقت این است که این امکان وجود دارد که گزاره‌های جهانی و معنی‌دار را از تصمیمات فردی استخراج کرد که در این صورت، برخی از ویژگی‌ها یا مکانیسم‌های مهم و خاص انتخاب فرد ممکن است تنها با تمرکز بر ویژگی‌های مشترک هر موقعیت تصمیم‌گیری به دست بیایند که در صورت تمرکز بر این معیارهای عقلانیت محدود همچنان که به تفصیل از آن‌ها در بخش‌های بالا بحث گردید برخی از این فروض مهم انتخابی فرد قطعاً حذف می‌شوند. در حقیقت، درجه جهانی بودن انتخاب‌های افراد به قدری گسترده است که از پارامترهای تصمیم‌گیری صرف انسان فراتر می‌رود.

جدول ۱: رویکردهای ارائه شده نسبت به نظریه عقلانیت محدود

نظریه پرداز	محدودیت‌های عقلانیت محدود
لیونل رابینز و فریدمن	عدم تعریف دقیق و چارچوب صحیح معنایی، جامع و مانع نبودن تعریف عقلانیت محدود
گری بکر و هیرشمن	محدودیت‌های انتخاب و گزینش
آمارتیسن، ساموئلسن و بولند	رد معیار نفع شخصی به عنوان ملاک عقلانیت، شمول معیار نسبت به تمامی انتخاب‌ها و وجود انگیزه‌های خیرخواهانه

عقلانیت دینی

نظریه عقلانیت دینی از سه محور شکلی، روشی و محتوایی با رویکرد مقابل خود از عقلانیت محدود در اقتصاد متعارف تفاوت دارد. همان‌گونه که در ادامه بررسی خواهد شد از نگاه اسلامی عقلانیت دینی دارای مفهومی است که هیچ‌یک از اشکالات مطرح در نظریه عقلانیت محدود بر آن وارد نمی‌شود. عقلانیت دینی علاوه بر توسعه در مبانی روش‌شناختی عقلانیت محدود یعنی دو مؤلفه بیشینه‌سازی نفع شخصی و سازگاری درونی، معیارهای دیگری نیز به عقلانیت اضافه می‌کند که از اشکالات اشاره شده در عقلانیت محدود همچون: مشکلات شناختی، عدم تعریف دقیق و چارچوب صحیح معنایی و مشکلات انتخاب و گزینش در اقتصاد متعارف فاصله می‌گیرد. در این میان برخی از محققان اقتصاد اسلامی سعی کرده‌اند تا تصویری از عقلانیت اسلامی ارائه دهند، بدون این که تصویر روشنی از نظریه عقلانیت دینی و موضع منسجم و نظام‌مند اسلامی نسبت به آن ارائه شود.

۱. مؤلفه‌های عقلانیت دینی در اقتصاد اسلامی

تحلیلی جامع و هفت مرحله‌ای^۱ در ارتباط با آیات و روایات مرتبط با «عقلانیت» و شروط و ویژگی‌های آن نشان می‌دهد که عقلانیت در رویکرد دینی باید دربرگیرنده سه مؤلفه‌ی «نفع‌گرایی فراگیر»، «عدالت اسلامی» و «تبعیت از تکالیف الهی» باشد.

جدول ۲. مؤلفه‌های عقلانیت دینی در رویکرد اسلامی

محورها	رویکرد نظام اسلامی در برابر عقلانیت
نفع‌گرایی جامع	توجه توأمان به منافع فردی و جمعی، منافع دنیوی و اخروی، تقدم منافع اجتماعی بر منافع فردی در صورت تزاخم، برتری منافع اخروی بر منافع زودگذر مادی، تقویت ابعاد شناختی فرد با تغییر نگرش او نسبت منافع زودگذر و منافع پایدار.

۱. در قسمت بیان مسئله و روش پژوهش از این هفت مرحله بحث گردید.

توجه دادن به معاد، تقویت قدرت خودکنترلی، تغییر محاسبات و نگرش جامع نسبت به پردازش اطلاعات و محدودیت‌های انتخاب و گزینش.	عدالت اسلامی
توجه توأمان به منافع فردی و اجتماعی، توجه به محدودیت‌های انتخاب و گزینش.	تبعیت از تکالیف الهی

۱-۱. نفع‌گرایی جامع

یکی از مؤلفه‌های کلیدی عقلانیت دینی نفع‌گرایی جامع و نه صرفاً بیشینه‌سازی نفع شخصی است. در حقیقت بررسی آیات و روایات مرتبط با نفع شخصی نشان می‌دهد بیشینه‌سازی نفع شخصی که به شکل افراطی مورد قبول اقتصاد متعارف بوده و تمام فعالیت‌های انسان اقتصادی عقلایی غرب بر محور آن شکل گرفته است مورد پذیرش اسلام نیست، بلکه اسلام درباره موضوع نفع شخصی و نفع جمعی نه حق تقدم را به فرد می‌دهد و نه به جامعه، بلکه هر یک از آن‌ها که منطبق با احکام و دستورات الهی است همان باید اجرا شود و در این صورت سخن از تقدم مصالح فرد بر جامعه و یا جامعه بر فرد جایگاهی ندارد. (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۶۴) در کتاب «مبانی اقتصاد اسلامی» در این زمینه معتقدند از نظر اسلام، در خصوص منافع فرد و جامعه باید خواست‌ها و تمایلات فرد و جامعه و منافع واقعی و مورد قبول شرع مقدس که به فرد و یا جامعه باز می‌گردد را از یکدیگر جدا کرد.

در ادامه، با استفاده از آیات و روایات شریفه در صدد کسب این حقیقت هستیم که تقدم مورد قبول اسلام در مورد فرد تحقق پیدا می‌کند یا جامعه؟ و جواب آن است که آنچه به دست می‌آید عدم صلاحیت تقدم آن‌ها به صورت مطلق (در موارد عدم تراحم) است، بلکه بنا بر ملاک‌های که در آیات و روایات روشن می‌گردد در برخی موارد این حق فرد است که مقدم شده است و در برخی موارد دیگر حق جامعه.

۱-۱-۱. تقدم مصالح فردی در آیات و روایات

«مصلحت» در لغت در مقابل مفسده به کار می‌رود و از آن می‌توان معانی مختلفی اراده شود؛ از قبیل اقتضاء، ضرورت، نفع، نیاز، خیر، بهره (ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۷: ۳۸۴). جستجو در منابع روایی

و آیات شریفه قرآن کریم حاکی از این است که در آیات و روایات فراوانی سخن از تقدم مصالح فردی بر مصالح اجتماعی شده است.

اساساً بخش عمده‌ای از آیات قرآن کریم به عنوان محکم‌ترین سند تفکر اسلامی بر تقدم مصالح فردی تأکید دارند، زیرا برای دعوت به فعل اخلاقی از عنصر وعده و وعید، که بازگشت آن به جلب سود برای خود و دفع زیان از خود است، استفاده شده است؛ و این در حقیقت بدان معناست که به انسان گفته شده است برای آن که به سعادت برسی و از نعمت‌های جاودان بهشت برخوردار شوی و از عذاب دوزخ خلاصی یابی عمل صالح انجام بده. این سخنان مصداق بارزی بر تقدم مصالح فردی بر مصالح اجتماعی قلمداد می‌شوند. به دیگر سخن بر اساس مبانی اخلاق در قرآن همچون مختار بودن انسان، غایت و مطلوب‌نهایی داشتن انسان و تلاش برای رسیدن به آن هدف، که سایر مباحث اخلاقی آن بر اساس آن‌ها بیان شده‌اند، به نظر می‌رسد که شواهد فراوانی بر تقدم مصالح فردی بر مصالح اجتماعی یافت می‌شود (صادقی و پاشایی، ۱۳۹۷: ۷۵).

۱-۲-۱. تقدم مصالح اجتماعی در آیات و روایات

اگر چه خداوند حب‌ذات را همان‌گونه که در آیات متعددی به آن اشاره گردید، به عنوان امری فطری در انسان‌ها به رسمیت شناخته است، اما قرآن کریم دال بر آیاتی دیگر نیز هست که در آن‌ها مصالح اجتماعی بر مصالح فردی مقدم شمرده شده است. در سوره نمل خداوند می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (نحل/ ۹۰) علامه طباطبائی (ره) در تفسیر این آیه معتقد است: خو شبختی و سعادت فرد در جامعه به خو شبختی و سعادت جامعه‌ای بستگی دارد که در آن زندگی می‌کند، و پیمودن مراحل کمال برای شخصی که در جامعه‌ای زندگی می‌کند که با انواع کارهای فاسد پوشیده شده است، بسیار کار مشکلی خواهد بود، به همین دلیل در این آیه خداوند به سه حکمی دستور می‌دهد که صلاح جامعه در گرو آن‌هاست، چرا که صلاح جامعه اسلامی از مهم‌ترین اموری است که اسلام به آن اهمیت می‌دهد (طباطبائی، ۱۳۷۲، ج ۱۲: ۳۲۹). «وَالَّذِينَ تَبَوَّأُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَ

لا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (حشر/۹) در آیه شریفه نیز خداوند در توصیف انصار می‌فرماید: آن‌ها کسانی هستند که مهاجرین را بر خود مقدم می‌دارند، هر چند که خود مبتلا به فقر و حاجت باشند. آیات دیگری نیز وجود دارد که در آن‌ها به صراحت برداشت می‌شود که مصالح اجتماعی بر مصالح فردی مقدم شده است.^۱ همچنین می‌بینیم که از نگاه قرآن جامعه امری موهوم و اعتباری نیست، بلکه جامعه امری حقیقی است؛ خداوند ملت‌ها و جوامع را مورد خطاب قرار داده و برای آن‌ها حیات و ممانت فرض کرده و برای امت‌ها و جوامع قائل به هدایت و گمراهی شده است.

در مواردی که از ناحیه شارع تکلیف الزامی وجود دارد عمل به آن لازم است، چه موافق رای اکثریت باشد و چه نباشد و چه نفع اکثریت را تأمین کند و چه نفع اقلیت را؛ اما در جایی که چنین الزام و تکلیفی وجود ندارد ترجیح رأی، نفع و صلاح اکثریت امری عقلایی، و تقدیم نفع، رأی و صلاح اقلیت کاری مرجوح و غیرعقلایی است؛ از این رو در سیره پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) ترجیح رأی و صلاح و نفع اکثریت را مشاهده می‌کنیم (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۶۵). هنگامی که پیامبر در «مدینه» ساکن شدند، پیوسته مأموران زبردست را روانه اطراف می‌کرد تا او را از اوضاع و جنب و جوش‌های خارج از محوطه اسلام، آگاه سازند. از این رو، گزارش‌گران اطلاع دادند که اتحادیه نظامی نیرومندی بر ضد اسلام تشکیل شده و افراد این اتحادیه در روز معینی حرکت و مدینه را محاصره می‌کنند. پیامبر بی‌درنگ شورای دفاعی تشکیل داد، تا از تجربه‌های تلخی که از نبرد «احد» داشتند نتیجه بگیرند. گروهی قلعه‌داری و نبرد از برج‌ها و نقاط مرتفع را بر بیرون رفتن ترجیح دادند، ولی این نقشه هرگز کافی نبود، زیرا سیل خروشان سپاه عرب و هجوم هزاران سرباز جنگ‌جو، قلعه‌ها و برج‌ها را از بین می‌برد و مسلمانان را از پای در می‌آورد. آنان باید کاری می‌کردند که دشمن نتواند نزدیک مدینه بیاید.

۱ (نور/۳۲)، (حجرات/۱۰)، (ما نده/۲)، (نساء/۳۶)، (آل‌عمران/۱۰۳)، (نساء/۱۴۴)، (آل‌عمران/۲۸)، (احزاب/۵۸)، (حجرات/۱۲)، (حجرات/۱۱).

۱-۲. عدالت اسلامی

یکی دیگر از لوازم عقلانیت دینی، توجه به لزوم اتخاذ تصمیم در چارچوب عدالت اسلامی است.

۱-۲-۱. مفهوم‌شناسی عدالت اسلامی

در زمینه عدالت اقتصادی به طور مطلق و در زمینه نظام اسلامی به طور خاص تر مباحث فراوانی در تعریف این واژه، شاخص‌ها و راه‌بردهای دستیابی به آن انجام گرفته است، (رجائی و معلمی، ۱۳۹۴) عدالت را بر حسب کاربرد آن در متون اسلامی به چهار معنی، «تساوی»، «دادن حق هر صاحب حقی به آن»، «توازن» و «اعتدال» می‌دانند (رجائی و معلمی، ۱۳۹۴: ۲۸۳)، در این چهار معنی ذکر شده به نوعی برابری وجه بارز معانی است که در این زمینه باید متذکر گردید که عدالت به معنای برابری نیست، بلکه ایجاد فرصت‌های یکسان به لحاظ آموزش، بهداشت و درمان، تغذیه و اشتغال است (سبحانی، ۱۳۸۸: ۴۶).

۱-۲-۲. ضرورت عدالت اسلامی

عقلانیت دینی برخاسته از نظام ارزشی خاصی است که از وحی سرچشمه می‌گیرد و معیار اصلی و محور اساسی آن را عدالت تشکیل می‌دهد، همان‌گونه که توحید در تمام اعتقادات دینی و اخلاقی مسلمانان ریشه دارد، عدالت نیز در بین دستورهای زندگی مسلمانان و تصمیم‌های آن‌ها، بعد از اعتقاد به یگانگی خداوند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است به گونه‌ای که هیچ فرعی از احکام الهی بدون در نظر گرفتن اصل عدالت قوام ندارد (امامی، ۱۳۸۹، ص ۲۵)، حضرت علی در باب اهمیت جایگاه عدالت در عقلانیت آن را به مثابه شالوده‌ای می‌دانند که قوام جهان بر آن استوار است (مجلسی، ۱۴۲۱، ج ۷۸: ۸۳).

دینی که عدل از اصول اعتقادی آن است و معتقد است که خدای متعال عادل است، امکان ندارد حکمی و قانونی در آن یافت شود که موجب گسترش ظلم باشد مانند: تکاثر و فقر، بنابراین

مجتهد معتقد به عدل، نمی‌تواند به هنگام استنباط هر حکمی از احکام دین، از آن چه باعث تحقق یافتن عدالت است و موانع اجرای عدالت را برطرف می‌سازد چشم ببوشد (حکیمی، ۱۳۷۱: ۱۱۲).

۱-۲-۳. دلالت‌های نظریه عدالت اسلامی

عدالت در نظریه عقلانیت دینی زمانی محقق خواهد شد که حد کفاف زندگی برای فقرا فراهم شود، و از انباشته شدن ثروت در دست اغنیاء جلوگیری شود (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۱؛ رجائی و معلمی، ۱۳۹۴؛ معلمی، ۱۳۹۰). شکی نیست که اسلام در باب رفع فقر، نه تنها به رفع مطلق فقر توصیه می‌کند، بلکه رفع فقر نسبی را نیز از وظایف حکومت اسلامی می‌داند، به این معنا که فقیر تنها شامل کسانی نمی‌شود که به نان شب محتاج هستند بلکه اگر کسانی نیاز به مسکن، ابزار کار و یا وسیله نقلیه سواری داشته باشند ولی نتوانند با کسب و کار خود آن‌ها را تهیه کنند، چنین افرادی در رویکرد اسلامی نیز از جمله فقرا محسوب می‌شوند، در این زمینه در روایتی اسماعیل بن عبدالعزیز از پدرش نقل می‌کند که از وجود مبارک امام صادق سوال می‌کند: «ما دوستی داریم که ارزش خانه او چهار هزار درهم می‌باشد و غلام و کنیزی دارد، آیا می‌تواند از زکات استفاده کند، حضرت فرمودند، آری می‌تواند از آن‌ها استفاده کند، و حضرت در ادامه می‌فرمایند نمی‌توان به چنین شخصی امر کرد که خانه و کنیز و غلام خویش را بفروشد، که این مورد باعث حفظ آبروی این فرد هستند، بلکه این شخص می‌تواند از زکات استفاده کند، و خانه و غلام و شتر خویش را نباید بفروشد» (حرعاملی، ۱۳۸۴، ج ۹: ۲۳۶؛ کلینی، ۱۳۴۲، ج ۳: ۵۲۶؛ مجلسی، ۱۴۲۱، ج ۹۳: ۶۰).

بنابراین آن چه در اینجا به روشنی از دیدگاه عدالت اسلامی در باب عقلانیت دینی قابل استخراج است این است که یکی از اساسی‌ترین اصولی که در زمینه عقلانیت دینی باید در مطلق نظر فرد تصمیم‌گیرنده مسلمان قرار گیرد، توجه به سنجه عدالت اسلامی است به گونه‌ای که اگر این رویکرد پایه‌ای در رفتار فرد یافت نشود، نمی‌توان نظریه عقلانیت دینی را به رفتار او نسبت داد.

۱-۳. تبعیت از تکالیف الهی

یکی دیگر از مؤلفه‌های عقلانیت در رویکرد اسلامی تبعیت از تکالیف شرعی است (داودی، ۱۳۹۶: ۷۶). انسان عاقل باید واجبات الهی را انجام داده و محرمات الهی را ترک کند (طبرسی، ۱۳۸۵، ص ۲۴۹)، حتی ترک مکروهات و انجام مستحبات نیز از لوازم عقلانیت محسوب می‌شود

(رجایی، ۱۳۸۶: ۷۰). برای نمونه، در آیه ۴۰ سوره انفال به ضرورت پرداخت خمس به عنوان یکی از ضروریات اسلام اشاره شده است: «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ». در آیه ۸۳ سوره بقره بر وجوب پرداخت زکات تاکید شده است: «أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَ أَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ». و نیز در آیه ۴۳ سوره بقره بر وجوب برپایی نماز اشاره شده است: «وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ ارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ». که البته این مضمون در روایات و آیات متعددی اشاره شده است (مجلسی، ۱۴۲۱؛ کلینی، ۱۳۴۲).

۲. محورهای تمایز عقلانیت دینی از عقلانیت محدود

در نظریه «عقلانیت دینی» مورد بحث در این مقاله، از سه جهت، تفاوت با رویکرد رقیب خود در اقتصاد متعارف ایجاد شده است:

۲-۱. تمایز صوری و شکلی

در باب تحول صوری، از باب نمونه به تغییر ساختار و چینش مباحث می‌توان اشاره کرد، بر خلاف آن چه در ساختار اقتصاد متعارف که عقلانیت متکی بر بیشینه‌سازی نفع شخصی مدخل آن به‌شمار می‌رود در این پژوهش عقلانیت دینی بدون تفسیری از اتکای صرف این رویکرد بر بیشینه‌سازی نفع شخصی و سازگاری درونی مورد بررسی قرار گرفت. علاوه بر این علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، شهید مطهری در برخی از کتب فلسفی و معارفی خویش و آیت‌الله مصباح نیز در کتاب آموزش فلسفه و سلسله کتب دروس معارف بر این چینش البته متفاوت از آن چه در این مقاله مورد بحث قرار گرفته و غالباً به صورت پراکنده و نه به صورت بحثی مستقل تأکید می‌ورزند. در حقیقت در بخش‌های متعدد اعم از تعریف عقلانیت، معیارهای بازشناسی عقلانیت و رویکردهای عقلانیت نسبت به رفتار افراد، نسبت به رویکرد رقیب در اقتصاد متعارف جابجایی مباحث و تحولات بنیادین صورت پذیرفته است.

در ارتباط با تمایز صوری و شکلی در نظریه عقلانیت چند نکته کلیدی قابل تبیین است:

تحول در ساختار و چینش مباحث

اقتصاد متعارف بر پایه فرضیه‌هایی مانند بیشینه‌سازی نفع شخصی و سازگاری درونی عقلانیت استوار است. این فرضیه‌ها نه تنها نقطه شروع اقتصاد متعارف هستند، بلکه شالوده نظام تصمیم‌گیری و رفتار اقتصادی افراد را نیز تشکیل می‌دهند. در مقابل، عقلانیت دینی بدون محدود شدن به این رویکردها، تلاش می‌کند مفهومی جامع‌تر از عقلانیت را ارائه دهد. این عقلانیت شامل مؤلفه‌هایی است که فراتر از نفع شخصی بوده و بر اصول اخلاقی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، و ارزش‌های معنوی استوار است.

عدم تکیه بر بیشینه‌سازی نفع شخصی

یکی از وجوه تمایز کلیدی عقلانیت دینی، نقد تفسیر اقتصاد متعارف از عقلانیت به عنوان ابزاری برای بیشینه‌سازی نفع شخصی است (سن، ۱۴۰۰؛ کرمی و دیرباز، ۱۳۸۴). این دیدگاه در نظریه عقلانیت دینی مورد بازنگری قرار می‌گیرد. به جای تمرکز بر منفعت فردی، عقلانیت دینی به سازگاری میان اهداف فردی و ارزش‌های والای دینی و انسانی توجه دارد. این نگرش نه تنها باعث تغییر ساختار مباحث می‌شود، بلکه به تعریف جدیدی از رفتار عقلانی در چارچوب دینی منجر می‌شود.

دیدگاه اندیشمندان اسلامی

سه متفکر برجسته در زمینه عقلانیت دینی، یعنی علامه طباطبایی، شهید مطهری و آیت‌الله مصباح یزدی، رویکردهای متفاوتی را به این مسئله ارائه داده‌اند:

- علامه طباطبایی: در تفسیر المیزان، به تحلیل مبانی عقلانیت از منظر قرآنی پرداخته و به جایگاه اخلاق و معنویت در تصمیم‌گیری عقلانی اشاره دارد. این دیدگاه باعث می‌شود عقلانیت صرفاً ابزاری برای دستیابی به اهداف مادی نباشد (علامه طباطبایی، ۱۳۷۲).
- شهید مطهری: در آثار فلسفی و معارفی خود، به مفاهیم مرتبط با عقلانیت پرداخته و آن را در زمینه‌هایی همچون فلسفه اسلامی و انسان‌شناسی اخلاقی تحلیل کرده است. دیدگاه او بر تلفیق عقلانیت با اهداف متعالی تأکید دارد (مطهری، ۱۳۷۸).

- آیت‌الله مصباح یزدی: در کتاب «آموزش فلسفه» و سایر آثار خود، به مباحثی نظیر تعریف عقلانیت و معیارهای آن پرداخته و بر تفاوت نگاه دینی و عرفی به این مفهوم تأکید کرده است (مصباح یزدی، ۱۴۰۱).

بازتعریف عقلانیت در چارچوب دینی

در عقلانیت دینی، مفاهیم کلیدی زیر بازتعریف شده‌اند:

- تعریف عقلانیت: از صرفاً ابزاری و هدف‌محور بودن به مفهومی متعالی و ارزشی تبدیل شده است.
- معیارهای عقلانیت: علاوه بر معیارهای کارآمدی و سازگاری درونی، معیارهای اخلاقی و ارزشی نیز در نظر گرفته می‌شوند.
- نسبت با رفتار افراد: رفتارهای اقتصادی و اجتماعی در این دیدگاه، نه تنها بر مبنای سود و زیان شخصی، بلکه با توجه به تأثیر بر جامعه و رعایت ارزش‌های اخلاقی ارزیابی می‌شوند.

جابجایی مباحث و تحولات بنیادین

این مقاله نشان می‌دهد که عقلانیت دینی به دلیل تفاوت در مبانی و رویکرد، تغییرات بنیادینی در ساختار مباحث اقتصادی ایجاد کرده است. این تحولات شامل:

- جابجایی در اولویت‌ها (از منفعت شخصی به اخلاق و معنویت).
- تغییر در هدف‌گذاری‌های رفتاری و تصمیم‌گیری.
- بازنگری در روش‌های ارزیابی کارآمدی و موفقیت.

نظریه عقلانیت دینی نه تنها از حیث صوری و شکلی، بلکه از نظر محتوایی و مفهومی نیز تمایز چشمگیری با اقتصاد متعارف دارد. این تمایز به معنای تحول در شیوه نگرش به مسائل اقتصادی، اجتماعی و حتی اخلاقی است که در چارچوب عقلانیت دینی مورد بازنگری و بازتعریف قرار می‌گیرد.

۲-۲. تمایز روشی

برای نوآوری در روش‌های مورد استفاده از آن‌ها در این پژوهش نیز به سه نمونه می‌توان اشاره کرد: ۱. پرهیز از خلط نفع شخصی به عنوان ملاکی برای بازشناسی عقلانیت در عین ایمان به اهمیت

نفع شخصی به عنوان محرکی برای افراد در تصمیم‌گیری و حرکت انسان در جهت اهداف خویش
 ۲. تبارشناسی و پیشینه پژوهی مباحث عقلانیت و ارائه دسته‌بندی روش‌مند، منسجم و اصولی از قواعد
 عقلانیت و عقلانیت محدود و تبیین مسائل آن‌ها با توجه به تطورات وارد بر آن در طول تاریخ اقتصاد
 متعارف و اقتصاد اسلامی ۳. اهتمام به طرح تطبیقی مباحث بین اقتصاد اسلامی و اقتصاد متعارف، به
 علاوه توجه نسبی بین مشارب حکمی اقتصاد متعارف در زمینه پی‌جویی عقلانیت و نقد آن‌ها.
 نظریه «عقلانیت دینی» به بررسی روش شناختی خاصی می‌پردازد که نوآوری‌های آن به سه جنبه
 اصلی تقسیم می‌شود. این نوآوری‌ها به‌طور مستقل و در عین حال مرتبط با یکدیگر، به تحلیل
 عقلانیت دینی می‌پردازند.

در نخستین جنبه، پرهیز از خلط نفع شخصی به‌عنوان ملاک بازشناسی عقلانیت اهمیت ویژه‌ای
 دارد. این رویکرد تأکید می‌کند که نفع شخصی نباید تنها معیار برای ارزیابی عقلانیت باشد (داودی
 و همکاران، ۱۳۹۶). هرچند نفع شخصی به‌عنوان یک محرک مهم در تصمیم‌گیری‌های انسانی
 شناخته می‌شود (سبحانی و رفیعی‌آتانی، ۱۳۹۱)، اما این نظریه به دنبال نشان دادن این نکته است که
 عقلانیت می‌تواند فراتر از منافع فردی باشد. نفع شخصی، هرچند که در رفتار انسان‌ها تأثیرگذار
 است، اما باید در چارچوبی وسیع‌تر از ارزش‌های اجتماعی و دینی تحلیل شود. این رویکرد به‌جای
 تمرکز صرف بر منفعت فردی، به تبیین رفتارهای انسانی در بستر اصول دینی و اخلاقی می‌پردازد و
 به ما کمک می‌کند تا درک بهتری از عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری‌ها پیدا کنیم.

دومین جنبه، تبارشناسی و پیشینه پژوهی است که به بررسی تاریخچه و پیشینه مباحث عقلانیت
 می‌پردازد. این پژوهش سعی کرد دسته‌بندی منسجم و اصولی از قواعد عقلانیت ارائه دهد، که
 می‌تواند شامل عقلانیت محدود و تبیین مسائل مرتبط با آن‌ها باشد. با بررسی تحولات تاریخی، این
 پژوهش به تحلیل چگونگی شکل‌گیری و تحول مفاهیم عقلانیت در طول زمان می‌پردازد. این
 رویکرد به محقق کمک می‌کند تا ریشه‌ها و پیشینه‌های عقلانیت دینی را بهتر درک کنیم و آن را
 با رویکردهای متعارف مقایسه کنیم.

سومین جنبه، اهتمام به طرح تطبیقی است که به مقایسه اقتصاد اسلامی و متعارف می‌پردازد. این
 مقایسه می‌تواند به شفاف‌سازی نقاط قوت و ضعف هر یک از این رویکردها کمک کند و به درک
 بهتری از عقلانیت دینی منجر شود. علاوه بر این، این پژوهش به نقد مشارب حکمی در زمینه

پی‌جویی عقلانیت در اقتصاد متعارف نیز می‌پردازد. این نقد می‌تواند به شناسایی نقاط ضعف و قوت رویکردهای مختلف در تحلیل عقلانیت کمک کند و به توسعه یک رویکرد جامع‌تر در فهم عقلانیت دینی منجر شود.

در مجموع، تمایز روشی در نظریه عقلانیت دینی به طور قابل توجهی از رویکردهای متعارف متمایز است. با پرهیز از خلط نفع شخصی، تبارشناسی و پیشینه‌پژوهی مباحث عقلانیت و اهتمام به طرح تطبیقی، این پژوهش سعی دارد یک چارچوب جامع و منسجم برای تحلیل عقلانیت دینی ارائه دهد. این رویکرد می‌تواند به درک بهتر و عمیق‌تری از عقلانیت در بستر دینی و اجتماعی کمک کند و به توسعه نظریه‌های جدید در این زمینه منجر شود. بدین ترتیب، این نظریه می‌تواند به ما در فهم پیچیدگی‌های رفتار انسانی و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی در زمینه‌های دینی یاری رساند.

۲-۳. تمایز محتوایی

در خصوص تحول و تکامل محتوایی عقلانیت دینی در این پژوهش نیز به چند نمونه نوآوری می‌توان اشاره نمود ۱. بازپیرایی اقتصاد اسلامی از ملاک نفع شخصی و محور بودن انسان در تصمیم‌گیری و بهره‌گیری از نظریات قرآن و حدیث، به مثابه اصول موضوعی عقلانیت دینی ۲. ارائه‌ی تقریری نو برای برخی قواعد و مسائل عقلانیت دینی به مثابه رویکردی کامل و بدون نقص در جهت پی‌گیری و بازشناسی رفتار عقلایی از غیر آن مانند: تقریر جدیدی که از نفع شخصی در باب عقلانیت دینی ارائه گردید ۳. توسعه‌ی برخی مباحث به نحو عرضی و نه طولی با اقتصاد متعارف، از رهگذر طرح نظرات جدید اقتصاد اسلامی در زمینه عقلانیت دینی مانند: تبیین منشأ نفع شخصی و همچون اهتمام خاص و مستقل به فلسفه‌ی اقتصاد اسلامی در زمینه بهره‌برداری از معیارهای آن در زمینه عقلانیت دینی، به علاوه گسترش برخی از مباحث و معیارهای عقلانیت به نحو عرضی مانند نفع شخصی در برخی قواعد و مسائل، مانند: مسأله‌ی کمک به دیگران و نیز تفصیل و توسعه‌ی مباحث مطرح در اقتصاد اسلامی در زمینه عقلانیت دینی. البته صرفاً آن چه در زمینه عقلانیت دینی ذکر گردید تنها به عنوان مقدمه و درآمدی در زمینه عقلانیت دینی به شمار می‌رفت و این مقاله ذکر بیش از آن چه بیان گردید را گنجایش ندارد که در این زمینه محققین اقتصاد اسلامی خصوصاً پژوهشگران مباحث فلسفه اقتصاد می‌توانند با استخراج، تبیین و سپس در توسعه، تکثیر و تعمیق نظریه عقلانیت دینی در اقتصاد اسلامی اهتمام نمایند.

تحول و تکامل محتوایی عقلانیت دینی در این پژوهش شامل چندین نوآوری کلیدی است که به‌طور دقیق به بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت.

نخستین نوآوری، بازپیرایی اقتصاد اسلامی است. در این رویکرد، تلاش شده است تا از ملاک نفع شخصی و محوریت انسان در تصمیم‌گیری فاصله گرفته شود. به‌جای تمرکز بر نفع فردی، نظریات قرآن و حدیث به‌عنوان اصول موضوعی عقلانیت دینی مورد استفاده قرار می‌گیرند. این تغییر نگرش به‌دنبال ایجاد یک چارچوب جدید برای تحلیل رفتارهای اقتصادی است که در آن ارزش‌های دینی و اجتماعی در مرکز توجه قرار دارند. بدین ترتیب، رفتارهای اقتصادی نه تنها از منظر فردی، بلکه در بستر اجتماعی و دینی نیز مورد بررسی قرار می‌گیرند.

دومین نوآوری، ارائه تقریری نو از قواعد و مسائل عقلانیت دینی است. این پژوهش به‌دنبال ارائه یک رویکرد کامل و بدون نقص برای پی‌گیری و بازشناسی رفتار عقلایی از غیر آن می‌باشد. به‌ویژه، نفع شخصی در این زمینه به‌طور جدیدی تبیین شده است. این تبیین جدید می‌تواند به درک بهتری از نقش نفع شخصی در عقلانیت دینی منجر شود و به ما کمک کند تا بفهمیم چگونه این نفع می‌تواند با اصول دینی همخوانی داشته باشد.

سومین نوآوری، توسعه مباحث به‌نحو عرضی است. این پژوهش به بررسی نظرات جدید اقتصاد اسلامی در زمینه عقلانیت دینی می‌پردازد و سعی دارد تا منشأ نفع شخصی و دیگر ابعاد مرتبط با آن را به‌طور مستقل و خاص تبیین کند. این رویکرد به گسترش مباحث و معیارهای عقلانیت به‌نحو عرضی کمک می‌کند و به‌ویژه در زمینه‌هایی مانند کمک به دیگران و تفصیل مباحث مطرح در اقتصاد اسلامی مؤثر است. با این رویکرد، می‌توان به بررسی عمیق‌تری از تأثیرات اجتماعی و دینی بر رفتارهای اقتصادی پرداخت.

در مجموع، نوآوری‌های محتوایی در نظریه عقلانیت دینی به‌طور قابل توجهی به تحول و تکامل این نظریه کمک می‌کند. با بازپیرایی اقتصاد اسلامی، ارائه تقریری نو از قواعد و مسائل عقلانیت دینی و توسعه مباحث به‌نحو عرضی، این پژوهش سعی دارد یک چارچوب جامع و منسجم برای تحلیل عقلانیت دینی فراهم آورد. این تحولات می‌توانند به محققین اقتصاد اسلامی کمک کنند تا با استخراج، تبیین و توسعه نظریه عقلانیت دینی، به تعمیق و تکثیر این نظریه در

فضای علمی و پژوهشی بپردازند و در نهایت به فهم بهتری از تعاملات اقتصادی در بستر دینی و اجتماعی دست یابند.

جدول ۳: محورهای تمایز نظریه عقلانیت دینی از نظریه عقلانیت محدود در اقتصاد متعارف

محورهای تمایز	رویکردها
صوری و شکلی	تغییر ساختار و چینش مباحث، تحولات شکلی در زمینه نحوه چینش مباحث در مورد تعریف عقلانیت، معیارهای بازشناسی عقلانیت و رویکردهای عقلانیت نسبت به رفتار افراد.
روشی	عدم خلط نفع شخصی با عقلانیت به عنوان رویکردی مستقل در بازشناسی آن، توسعه‌ی برخی مباحث عقلانیت دینی به نحو عرضی با اقتصاد متعارف، پیشینه‌پژوهی مباحث عقلانیت و ارائه دسته‌بندی روش‌مند و اصولی از قواعد عقلانیت دینی و عقلانیت محدود.
محتوایی	ارائه‌ی تقریری نو برای برخی قواعد و مسائل عقلانیت دینی، انفکاک اقتصاد اسلامی از اتکاء صرف بر ملاک نفع شخصی و محور بودن انسان در تصمیم‌گیری و توجه به مباحث دینی در زمینه عقلانیت دینی، طرح نظرات جدید اقتصاد اسلامی در زمینه عقلانیت دینی و توسعه‌ی برخی مباحث عقلانیت دینی به صورت تطبیقی با اقتصاد متعارف.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نظریه عقلانیت محدود در اقتصاد متعارف با دو مؤلفه پیشینه‌سازی نفع شخصی و سازگاری درونی انتخاب‌ها شناخته می‌شود. این دو مؤلفه توسط اقتصاد دانان مسلمان به صورت ویژه و اقتصاد دانان متعارف به صورت پراکنده آماج نقدهای گسترده‌ای قرار گرفته است. محور این نقدها را می‌توان در چهار دسته: ۱. عدم تعریف دقیق و چارچوب صحیح معنایی ۲. محدودیت‌های شناختی و پردازش اطلاعات ۳. محدودیت‌های نفع شخصی به عنوان ملاک عقلانیت ۴. محدودیت‌های انتخاب و گزینش خلاصه کرد. در ادامه توجه به منابع اسلامی در ارتباط با عقلانیت نشان می‌دهد که مؤلفه‌های عقلانیت در رویکرد اسلامی نه تنها اشکالات و نقدهای وارد بر نظریه عقلانیت محدود در اقتصاد متعارف را ندارد بلکه از جهت روش‌شناختی در مؤلفه‌های پایه‌ای نیز توسعه چشمگیری نسبت به رویکرد رقیب دارد به گونه‌ای که کامل‌ترین رویکرد عقلانیت را می‌توان در نظریه

«عقلانیت دینی» جستجو کرد. نظریه عقلانیت دینی از سه محور شکلی، روشی و محتوایی با رویکرد مقابل خود از عقلانیت محدود در اقتصاد متعارف تفاوت دارد. دیدگاه نظام اسلامی نسبت به عقلانیت دینی دارای مفهومی است که هیچ یک از اشکالات مطرح در نظریه عقلانیت محدود بر آن وارد نمی‌شود. عقلانیت دینی علاوه بر توسعه در مبانی روش‌شناختی عقلانیت محدود یعنی دو مؤلفه بیشینه‌سازی نفع شخصی و سازگاری درونی، معیارهای دیگری نیز به عقلانیت اضافه می‌کند که از اشکالات اشاره شده در عقلانیت محدود همچون: مشکلات شناختی، عدم تعریف دقیق و چارچوب صحیح معنایی و مشکلات انتخاب و گزینش در اقتصاد متعارف فاصله می‌گیرد. عقلانیت دینی معیارهای «نفع‌گرایی فراگیر»، «عدالت اسلامی» و «تبعیت از تکالیف الهی» را در بردارد.



فهرست منابع

قرآن کریم

- ابن منظور، محمد (۱۴۰۸)، *لسان العرب*، انتشارات دار احیاء التراث العربی، بیروت.
- امامی، محمد (۱۳۸۹)، *بازار مسلمانان: آداب و مقررات*، مشهد، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- تیموری، عباد، رنانی، محسن، معرفی محمدی، عبدالحمید (۱۳۹۶)، نقد انتخاب عقلانی از منظر رویکردهای رقیب: اقتصاد رفتاری، آزمایشگاهی و علوم مغزی، *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ۲۲(۷۳)، ۴۳-۱.
- حراغلی، محمد بن حسن (۱۳۸۴)، *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، محقق: محمدرضا حسینی جلالی، چاپ ششم، قم، موسسه آل‌البت للاحیاء التراث.
- حکیمی، محمدرضا (۱۳۷۱)، احکام دین و اهداف دین، *فصلنامه نقد و نظر*، س اول، ش یک، ص ۱۰۷-۱۲۱.
- داودی، پرویز، توکلی، محمدجواد، پناهی‌پروجردی، محمد سعید (۱۳۹۶)، عقلانیت طیفی اسلامی در مقابل نظریه انتخاب عقلایی اقتصاد متعارف، *معرفت اقتصاد اسلامی*، س ۹، ش ۱، ۶۷-۸۴.
- دهقانی، محمود (۱۴۰۲)، کاوشی در چالش‌های پارادایم «عقلانیت ابزاری» در اقتصاد متعارف (با ارائه دیدگاه «عقلانیت محدود با رویکردی جدید»)، *جستارهای اقتصادی با رویکرد اسلامی*، ۲۰(۳۹)، ۱۵۱-۱۷۳.
- رجایی، سیدمحمدکاظم (۱۳۸۶)، تقاضای بازار اسلامی در مقایسه با بازار رقابت کامل، *جستارهای اقتصادی*، ش ۸، ۶۵-۹۸.
- رجائی، سید محمدکاظم، معلمی، سیدمهدی (۱۳۹۴)، *درآمدی بر مفهوم عدالت اقتصادی و شاخص‌های آن*، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- رجائی، سید محمدکاظم، معلمی، سیدمهدی (۱۳۹۴)، *درآمدی بر مفهوم عدالت اقتصادی و شاخص‌های آن*، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- سبحانی، حسن (۱۳۸۸)، *اقتصاد عدالت محور*، تهران، انتشارات سروش.
- سبحانی، حسن، رفیعی آتانی، عطاءالله (۱۳۹۱)، علوم انسانی اسلامی به مثابه کاشف عقلانیت اسلامی، *فصلنامه علمی پژوهشی حکمت اسرا*، ۴(۲)، ۵۰-۳۰.
- سن، آمارتیا کومار (۱۴۰۰)، اخلاق و اقتصاد، مترجم: حسن فشارکی، تهران، انتشارات شیرازه.
- صادقی، هادی، پاشایی، وحید (۱۳۹۷)، خودگروی اخلاقی نگاهی قرآنی، *فصلنامه آموزه‌های قرآنی دانشگاه علوم اسلامی رضوی*، ش ۲۸، ص ۵۷-۸۲.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۲)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چاپ پنجم، قم، انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۸۵)، *مشکاه الانوار فی غرر الاخبار*، چاپ دوم، نجف، انتشارات المكتبه الحیدریه.
- کرمی، محمدحسین، دیرباز، عسگر (۱۳۸۴)، مباحثی در فلسفه اقتصاد، قم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۴۲)، *الکافی*، شرح: محمد صالح بن احمد مازندرانی، حاشیه‌نویس: ابوالحسن شعرانی، مصحح: علی‌اکبر غفاری، تهران، المكتبة الاسلامیه للنشر و التوزیع.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۲۱)، *بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار*، تصحیح و تنظیم: محمود دریاب‌نجفی، بیروت، انتشارات دارالتعارف للمطبوعات.
- مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۴۰۱)، آموزش فلسفه، ۲ جلد، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۸)، *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*، جلد ششم، سی‌ویک جلد، قم، انتشارات صدرا.
- معلمی، سید مهدی (۱۳۹۰)، *راه‌بردهای تحقق عدالت بر اساس آموزه‌های اسلامی*، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- نظری، حسن‌آقا، دانش، سیدحسینعلی (۱۳۹۱)، *جستاری در دوام مقبولیت نظریه رفتار عقلانی کامل در علم اقتصاد*. سیاست‌گذاری اقتصادی، ۴(۸)، ۱۸۰-۱۵۱.
- هاشمی، سید محمود، داودی، پرویز، مصباحی، غلام‌رضا، نظری، محمدتقی (۱۳۹۰)، *مبانی اقتصاد اسلامی*، چاپ ششم، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران.
- Aqil, S. O. S. (1989). Rationality in economic theory: A critical appraisal. *International Journal of Economics Management & Accounting*, 2(2), 79-94.
- Arrow, K. J. (1959). Rational choice functions and orderings. *Journal of Economica*, 26, 121-127.
- Arrow, K. J. (1986). Rationality of self and others in an economic system. *Journal of Business*, 59, 385-399.
- Ashraf, M. A. (2018). Use of bounded rationality theory to understand participation of women in Islamic microfinance. *Enterprise Development and Microfinance*, 29(3-4), 186-208.
- Aumann, R. (1996). *Rationality and bounded rationality*. Nancy Schwartz Lecture, Kellogg Foundation.
- Becker, G. S. (1962). Irrational behavior and economic theory. *Journal of political economy*, 70(1), 1-13.
- Friedman, D. (1998). Modeling bounded rationality. *Journal of Southern Economic Association*, 65(2), 366-368.
- Friedman, M. (1953). The methodology of positive economics. in Friedman, *Essays in Positive Economics*, Chicago: University of Chicago Press.
- Gigerenzer, G., & Murray, D. J. (1987). *Cognition as intuitive statistics*. Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Gigerenzer, G., & Selten, R. (2002). *Bounded rationality: The adaptive toolbox*. MIT press.
- Glimcher, P. W., Dorris, M. C., & Bayer, H. M. (2005). Physiologic utility theory and the neuroeconomics of choice. *Journal of Games and Economic Behavior*, 52, 213-56.
- Hasyim, M. I. A. (2020). A rational irrationality: Reviewing the concept of rationality in conventional economics and Islamic economics. *Al-Amwal: Journal Ekonomi dan Perbankan Syariah*, 12(1), 77-85.
- Hindess, B. (1977). *Philosophy and methodology in the social sciences*. Brighton: Harvester.
- Hirschman, A. O. (1970). *Exit, voice and loyalty*. Cambridge, Mass: Harvard University Press.
- Hirschman, A. O. (1982). *Shifting involvements*, Princeton: University Press.
- Hodgson, G. M. (1988). *Economics and institutions: A manifesto for a modern institutional economics*. Cambridge and Philadelphia: Polity Press & University of Pennsylvania Press.

- Hodgson, G. M. (2012). On the limits of rational choice theory. *Journal of Economic Thought*, 1, 94-108.
- Hosseini, H. (2011). George Katona: A founding father of old behavioral economics. *The Journal of Socio-Economics*, 40(6), 977-984.
- Huber, J., Payne, J., & Puto, C. (1982). Adding asymmetrically dominated alternatives: Violations of regularity and the similarity hypothesis. *Journal of Consumer Research*, 9, 90-98.
- Kagel, J. H., Battalio, R. C., & Green, L. (1995). *Economic choice theory: An experimental analysis of animal behavior*. Cambridge University Press.
- Kagel, J. H., Battalio, R. C., Rachlin, H., & Green, L. (1981). Demand curves for animal consumers. *The Quarterly Journal of Economics*, 96(1), 1-15.
- Nash, J. F. (1950). The bargaining problem. *Journal of Econometrics*, 18, 155-162.
- Sen, A. (1988). The concept of development. *Handbook of development economics*, 1, 9-26.
- Sen, A. (2004). *Rationality and freedom*. Harvard university press.
- Shafir, E., & Tversky, A. (1995). Decision making. In D. N. Osherson and E. E. Smith, eds. *Invitation to Cognitive Science: Thinking*, Cambridge, Mass.: MIT Press.
- Shafir, E., Simonson, I. & Tversky, A. (1993). Reason-based choice. *Cognition*, 49, 11-36.
- Siddiqi, M. N. (2001). *Economics: An Islamic approach*. Institute of Policy Studies.
- Simon, H. A. (1955). A behavioral model of rational choice. *Quarterly Journal of Economics*, 69, 99-118.
- Simon, H. A. (1956). Rational choice and the structure of the environment. *Psychological Review*, 63, 129-138.
- Simon, H. A. (1972). Theories of bounded rationality. *Decision and organization*, 1(1), 161-176.
- Simon, H. A. (1972). Theories of bounded rationality. In M. H. McGee and J. A. Latsis, eds. *Decision and Organization*, Amsterdam: North Holland.
- Simon, H. A. (1976). From substantive to procedural rationality. In S. J. Latsis, ed. *Methods and appraisal in economics*. New York: Cambridge University Press.
- Simon, H. A. (1979). *Models of thought*. New Haven, Conn: Yale University Press.
- Simon, H. A. (1982). *Models of bounded rationality*, volume 2. Cambridge, Mass: MIT Press.
- Simon, H. A. (1990). Bounded rationality. In *Utility and probability*, Palgrave Macmillan, London.
- Simonson, I. (1989). Choice based on reasons: The case of attraction and compromise effects. *Journal of Consumer Research*, 16, 158-174.
- Stigler, G. J. (1981). *Economics or ethics?* In S. McMuffin (ed.), *Tanner Lectures on Human Values*, vol. II. Cambridge: University Press.
- Tan, C. (2013). Rationality and autonomy from the enlightenment and Islamic perspectives. *Journal of Beliefs & Values*, 35(3), 327-339.
- Tullock, G. (1994). *The economics of non-human societies*. Tuscon, Arizona: Pallas Press.
- Tversky, A., & Kahneman, D. (1986). Rational choice and the framing of decisions. *Journal of Business*, 59, 251-278.
- Tversky, A., & Shafir, E. (1992). Choice under conflict: The dynamics of the deferred decision. *Psychological Science*, 3, 358-361.
- Vromen, J. J. (2010). On the surprising finding that expected utility is literally computed in the brain. *Journal of Economic Methodology*, 17(1), 17-36.
- Winter, S. G. (1964). Economic natural selection and the theory of the firm. *Journal of Yale Economic Essays*, 4(1), 225-272.

